

مرتب و منظمی از اوضاع مختلف در موضوع انتخاب آقای قوام الدوله نوشته اند شکایتی هم که در این باب شده باشد باید بوضع آن شکایات رسیدگی کرد و دیده چه چیز است یکی از موضوع شکایتشان این است که آقای قوام الدوله در اسفهان معروفیت ندارند بنده خیلی تعجب میکنم اگر چنانچه آقای قوام الدوله نواهد حاجی صدر الدوله در اسفهان معروفیت نداشته باشند در کجا معروفیت خواهند داشت باینکه مدتی حکومت آنها را هم داشته اند یکی دیگر در ضمن شکایات نوشته بودند که بعضی مردم را بصف و اجبار و اسرار و امیدارند ببدان رای و حال آنکه بعد از نظریاتی که کردیم معلوم شد که در موقع انتخابات آقای قوام الدوله در آنجا نبوده و آن حدود هم حدودی نبوده که ایشان نفوذی داشته باشند و این هم در یک قسمتی بوده که آقای سید عباس رای داشته و تصور میکردند که اگر وزارت آقای قوام الدوله رد شود ایشان وکیل خواهند شد در صورتیکه خودشان می دانسته اند که اگر رای های سایر نقاط را ضمیمه میکنند ایشان صاحب رای نیستند باین جهت هر چه دو شنبه دقت کردیم شکایتی که قابل اعتنا باشد نبود و همان است که در راپورت ذکر شده آقایان ملاحظه فرموده اند و بنده تصور میکنم که اعتبار نامه ایشان خیلی مرتب است و هیچ وجه قابل تردید نیست (گفته شد کافی است)

رای میگیریم بوزارت آقای قوام الدوله آقایانیکه وکالت ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند نمایندگان ایشان تصویب و رایوت شعبه پنجم راجع بنمایندگی)

(آقای شیخ ابراهیم زنجانی بمضمون ذیل قرائت شد)

شعبه پنجم در تاریخ ۵ شنبه ۱۸ و سه شنبه ۱۹ و پنجشنبه ۲۰ در تحت ریاست آقای مؤمن الملک منعقد گردیده با دقت نظر بابت تاریخ آقای شیخ ابراهیم نماینده زنجان و کتابچه مشروح و مفصل صورت مجلس انجمن نظارت مرکزی آنجا مهور بهر اعضاء انجمن و نایب الحکومه زنجان رسیدگی نموده جریان انتخابات آنجا و نمایندگی معزیه الیه محکوم بصحت است

بوجه شکایتی هم بشعبه نرسیده است کتابچه مزبور حاکی است که در بدو انتخابات آنجا راجع بدست اعلان و کافی نبودن شعبات نقاط جزو کتک و هائی در میان بوده است و انجمن نظارت مجدداً اعلان دیگری در تعیین وقت منتشر نموده از طرف وزارت داخله آقای میرزا رضاخان مأمور نظارت در امر آنجا شده و پس از رسیدن ایشان زنجان شعبات دیگر در طایره سفلی و قید از تشکیل داده برای شعبه ابراهیم مقداری دیگر تفرقه فرستاده و امر انتخابات را بانجام رسانیده و پس از آن بهیچ وجه شکایتی بانجمن نظارت هم نرسیده است لهذا شعبه پنجم نمایندگی جناب آقای شیخ ابراهیم را که با اکثریت ۵۹۱ رأی از ۸۶۹ رأی دهندگان انتخاب شده اند با اکثریت تصدیق و تصویب می نمایند

رئیس - راجع بانتخاب آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی از زنجان مخالفی هست یا نیست ؟

آقا میرزا هاشم - بنده مخالفم

رئیس - پس بیان برای جلسه دیگر راجع بانتخاب آقای صدرالاسلام راپورتش را نداده اند

و یک چیزی بهیچ رئیس نوشته اند قرائت میشود اگر آقایان را قانع نکرد صبر میکنم تا اطلاعاتی که خواسته اند از وزارت داخله برسد و بعد راپورت بدهند و اگر قانع شوند همین امشب رای میگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد)

شعبه شش برای ملاحظه و مذاقه اعتبار نامه جناب آقای حاج شیخ علی صدرالاسلام نماینده شعبه چندین جلسه منعقد شده اعتبار نامه مسطور و صورت مجلس قرائت شد و دقت کلامه در آن بعمل آمده شکایتی اصلاً در انتخاب جناب معزیه الله نرسیده بود ولیکن در صورت مجلس بعضی نکات علی التفضیل رعایت نشده بود شعبه را مجبور نمود که از وزارت جلیله داخله در مقام استعلام تحقیق بر آید لهذا در جلسه قبل از این تاریخ مراسم وزارت مزبوره نوشته شده و از اینکه بسا آنکه شروع انتخابات در شعبه در کسره تا مدتی در شهر صفرالظفر ۱۳۳۳ شده و تا یازدهم شهر مزبور نمره داده شده و از یازدهم الی شانزدهم شهر مزبور اخذ آراء شده پس از آن شروع در قرائت آراء در ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۳۳ کرده اند تقریباً چهار ماه قرائت آراء مجتمعه از عقب افتاده چرا و دیگر آنکه در این مدت که آراء مرکزی در صارت عبدالحق خان در تحت نظر حکومت بود آراء مجتمعه از بلوکات در کجا مضبوط و محفوظ بوده و دیگر این که مشیرالممالک که ذیل صورت مجلس انتخابات شعبه را امضاء و مهر نموده چه ستمی داشته آیا نایب الحکومه رسمی بوده یا نه مراتب مزبوره که از وزارت جلیله داخله استعلام شده بود و ورقه از آقای ضیاءالسلطان مدیر انتخابات رسیده که مراتب مسطوره را تلگرافاً از انجمن نظارت زنجان خواستیم هر وقت جواب رسید با دوسه ارسال خواهد شد چون مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی اعتبار نامه آقای صدرالاسلام را در جزو دستور لایحه شعبه ۲۵ قرار داده اند شعبه ششم لازم دانسته اند که این راپورت را تقدیم مقام متبوع ریاست جلیله نماید که اگر شعبه (۶) باید تعقیب طریق خود را بنماید مقرر و ابلاغ فرمایند و الا اختیار با خود آن مقام محترم است

رئیس - بنده مخالفم

رئیس - حالا بایست به بینیم امشب در این خصوص باید رای بگیریم یا خیر ؟

میرزا قاسم خان - در این موضوع امشب نمیشود مذاکره کرد و رای گرفت بجهت این که همین قسمتی که راپورت داده اند این مطلب ناقص است و گمان میکنم باید بمانند تا وقتیکه از وزارت داخله اطلاعات بدست بیاید آن وقت میشود گفت مخالف یا موافق

رئیس - این راپورت ها یک ماه و نیم است رسیده و چندین مرتبه گفتیم که شعبه برای رسیدگی بآن منعقد شود و منعقد نشد این بود که جزو دستور گذاشتیم بهیچ بنده بایستی مجلس برای اعتبار نامه یک تکلیفی معین کند یک وکیل که اینجا میاید چهار ماه معطل نشود آن وقت هم برای امر مختصری بوزارت داخله رجوع کند و او هم بعمل کافند بنویسد و بعد از ۳ ماه جوابش برسد هجالتا رای میگیریم که این مطلب جزو دستور امشب باشد یا نه اگر رای دادند

جزو دستور امشب باشد و مخالفت شد میانه برای جلسه آینده آقایانیکه تصویب میکنند جزو دستور امشب باشد قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد که جزو دستور امشب باشد حالا در این باب مخالفی هست یا نیست ؟

رئیس - پس میماند برای جلسه دیگر ولی در جلسه آتی حتماً باید رای گرفته شود و حالا شروع میکنیم بقانون مستغلات از ماده دوم

(ماده دوم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده دوم - مالیات مستغلات مذکور در ماده ۱ از قرار صد پنجاه باب ملت خالصی سابقاً تعیین میشود

حاج شیخ اسدالله - در اینجا ماده راجع به ایدیه صد پنج و صد چهار و نتیجه این ۳ ماده این است صد چهار از مستغلات گرفته میشود در ماده اول نوشته است که از عایدات خالصی سابقاً مستغلات صد پنج مالیات گرفته میشود و در ماده ثانی می نویسند از برای مخارج و مصارف آن یک خمس از صد پنجاه کسر میکنند و ماده دیگر نتیجه اش این است که صد چهار گرفته میشود یا این ترتیب بعقبه بنده (اگر آقای مخیر گوش بدهند این ۳ ماده در اینجا یکی زیادی است و اگر این ۳ ماده را حذف میکردند و یک ماده مینوشند که از ایدیه مستغلات صد چهار گرفته میشود بهتر بود محتاج باین شرح و بسط نبود که از برای خوانندگان و کسبیکه میخواهند این عبارت را بفهمند اسباب زحمت شود

سر دار معظمی از نماینده محترم خواهش میکنم که تکلیف مخیر را ایشان معین کنند

رئیس - بلی مجبور نیستند گوش بدهند

منتظر السلطان - از این بیاناتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند مقصود ایشان معلوم نشد که آیا با این صدی پنج که از طرف کمیسیون رای داده شده و بمجلس پیشنهاد شده است مخالفت یا اینکه موافقت و مقصودشان فقط صد چهار نوشتن است بدون اینکه خرج موضوع بشود کمیسیون پس از آنکه در این باب نظریات و دقت های فوق ماده نموده اند که بهتر از این نمیشود نوشتن زیرا که باینجهت در واقع نوعی است که کمتر هم معبرمانند میشود بواسطه اینکه باید خرج موضوع بشود پس بهمان ترتیبی که از طرف کمیسیون پیشنهاد شود باید خرج را موضوع کرد و از عایدات خالصی که از برای مالک معین میشود صد پنج را گرفت بهتر از این نمیشود و این ترتیب خیلی عادلانه است

سلطان العلماء - اگر آقایان دقت نظری بفرمایند معلوم میشود که فرق است بین مستغلات و املاک در املاک دقت تقویم که مقوم قیمت میکنند ده یک را که صد ده باشد تا ده نیم ملاحظه بنمایند ولی در مستغلات دقت تقویم دهم ربع که از صد هجده کمتر است ملاحظه بشود بنده گمان میکنم در اینجا ملاحظه کرده صدی چهار از خالص عایدات برای دولت خیلی زیاد و خارج از انصاف باشد چه بسا اتفاق می افتد که برای یک مستغلی اگر بدهت ملاحظه فرمایند بالغ بر نصف و ثلث در سال مخارج و مصارف داده میشود چنانکه بعضی کارخانه ها که آتش کارند آتش در آنها استعمال میشود مثل آهنگری و غیره از او بیشتر از این چیزی نهمین ماده اول می نویسند حتی اگر بدهت ملاحظه کند سالی بالغ بر نصف

و ثلث مخارج برای آنها پیدا میشود با اینصورت صدی چهار از کلیه مستغلات گرفتن گمان میکنم خیلی بی انصافی باشد همچو تصور کنید که عایدی آنها از دولت است و میخواهد یک کمیانی برابری بدهد کمیانی هم ورشکست نیست که مال اطمینان بآن هست آیا به بینیم دولت از آن چه تفرقه بدهد میرد تا این که از عایدی خالص مستغلات صدی چهار بگیرد این است نظریات بنده راجع باصل مستغلات و در موضوع دیگر هم اگر مخالفتی داشته باشید عرض خواهم کرد

مخیر - در اینجا دو ایراد شد یکی از نمایندگان محترم ایراد کردند که ماده دو و سه و چهار هر سه یکی است و باین جهت باید یک ماده نوشته شود البته اگر خود نماینده محترم وقت میفرمودند تصدیق میکردند که این مواد مختلف و هر کدام راجع بیک مطلبی است که لازم است در اینجا قید شود و آیا مسئله ثانوی که ایراد فرمودند صدی چهار زیاد است بنده اگر مجبور نمی بودم عقیده اکثریت کمیسیون را دفاع کنم میگفتم صدی چهار خیلی کم است بعقبه بنده در موقعیکه یک قانون مالیاتی در مجلس وضع میشود باید چند چیز در آن مراعات و منظور شود و معلوم است از یک طرف مالیات نباید بقدری زیاد و سنگین باشد که تعدیل بر مردم شود و ثانیاً از عایدات آن بر آید و از طرف دیگر هم زمینه آن مالیات نباید بقدری کم باشد که قابل وضع نباشد بالاخره وقتی که مالیات گذاشته می شود برای این است که یک نتیجه عملی از آن بدست بیاید یعنی یک مبلغی پول وارد خزانه دولت شود و مبلغ آن پول طوری باشد که قابل وضع قانون و اداره کردن باشد و چیزی عاید دولت بشود در اینجا صدی پنج از عایدات قبل از آنکه وضع مخارج بشود معین شود ولی یک ربع آن بعنوان مخارج موضوع می شود و در واقع صد چهار از عایدات خالصی باید بدولت عاید شود چنانچه در جلسه گذشته عرض کردم نباید این قانون را از نقطه نظر مستغلات نگاه کرد بلکه باید از نقطه نظر عایدی مستغلات ملاحظه کرد چنانچه عرض کرد یک کسی که یک ملک مرزوری دارد و از او ده یک مالیات میگیرند هیچ جهتی ندارد که ما بگوئیم صد چهار از عایدی خالصی املاک مستغلات گرفتن زیاد است بلکه عقیده بنده این است که صد چهار خیلی کم است ولی چون در هر موقعی که مقنن مالیات تازه وضع میکند باید طوری باشد که در اول کار تعدیل بر مردم نشود باین جهت این میزان که در اینجا معین شده بهترین میزان عادلانه است که برای مالیات مستغلات معین شده

حاج شیخ اسدالله - بنده چون عقیده باصل این مالیات ندارم بهیچوجه در زیاد و تصدیه آن اظهار نمی کنم فقط در این موادی که اینجا نوشته شده است از نقطه نظر قانون گذاری یک نظری دارم در اینجا ۳ ماده نوشته شده و نتیجه هر سه ماده این است که از عایدات مستغلات صدی چهار بعنوان مالیات دریافت میشود خوب دقت بفرمایند بنده هم همان قسمتی که آقای مخیر فرمودند دقت کردم و در این ۳ ماده خوب مرور کردم و نتیجه ۳ ماده را بیشتر از این چیزی نهمین ماده اول می نویسند

صدی پنج از عایدی مستغلات دریافت میشود و در ماده دوم می نویسند برای مصارف مستغلات خمس از این صدی پنج منظور میشود و بیای مالک برمیگردد و نتیجه آن آن است که صد چهار از عایدی مستغلات دریافت میشود بنده عرض میکنم اگر مقصود صد چهار است این سه ماده و این شرح و بسط لازم نیست خوب است آن مخارجی را که قانون گذار ملاحظه میکند برای مالک موضوع کند و یک ماده بنویسد که صدی چهار از عایدات مستغلات را دولت دریافت میکند دیگر محتاج باین شرح و بسط نیست مخصوصاً عبارت آخرش که خیلی مشکل است کسی مطلب از او کشف کند

سر دار معظمی مخیر - بنده گمان میکنم مراجعه بقدر ماده مشته را حل خواهد کرد مناسفانه می بینم اینطور نیست بنا بر این اجازه بدهند مخیر میفرمودند تفسیر کنیم که اولاً ماده هم برای این است که معین کند مالیات مستغلات بر کدام یک از عایدات تعلق میگیرد بر آن عایدات خالص یعنی عایداتی که بعد از وضع مخارج عاید مالک میشود تعلق میگیرد پس ماده دوم برای این است که صدی پنج بر عایدات خالص تعلق میگیرد ولی از طرف دیگر چون در مملکت ما هنوز عایدات خالص اصطلاح فطری نشده است و محتاج بیست تعریفی است لهذا ماده سیم راجع به تعریف عاید خالصی است و ثابت میکنند که مقصود از عایدات خالص چیست و این البته لازم است در قانون باشد برای اینکه تولید اشکال نشود که اداره مانیه بگوریه از کلبه عایدات باید صد پنج گرفت و آن شخص مالک بگوید غیر از عایدات خالص اگر این تعریف در اینجا ذکر نشود البته تولید زحمت خواهد شد پس در ماده سه تعریف عایدات خالص شده که عایدات خالص یعنی چه ماده چهار راجع است باین مخارجی که از عایدات کلی باید موضوع شود عایدات خالص معین خود برای اینکه اشکال پیش نیاید و هر یک از مالکین مجبور نباشند صورت حسابشان را بدهند و در تعیین مخارج اسباب زحمت نشود این است که بطور کلی مبلغ حد وسط مخارج تعیین شده است و یک خمس از کلیه عایدات را برای معراج موضوع کرده اند چهار خمس را که باقی میماند گفته اند عایدات خالص و از آن عایدات خالص مبلغیکه در ماده دوم معین شده است بعنوان مالیات گرفته میشود پس بالاخره بر حسب این ترتیب که عرض شد هر سه ماده لازم است

مدرس - دو ایراد آقایان فرمودند و فرمایشات آقای مخیر بنده را قانع نکرد اگر چه بنده بااصل این مالیات مخالفت داشتم ولیکن دو سواد اولیه هر کس نظریاتی دارد باید عرض کند قانون گذاری معنی این است که فاسفه آنرا مقنن ملاحظه کند و قانون بگذارند دیگر ذکر فلسفه و جمع و خرج را مقنن در قانون نباید بکنند باید این ملاحظات را مقنن خودش بکند و جمع و خرج بکند آنوقت آن نتیجه را قانون بگذارند لهذا بنده عرض میکنم در موض این سه ماده یک ماده بنویسند صدی چهار کفایت میکند بلکه ماده دوم و سوم ذکرش مضر است چرا بواسطه اینکه ذکر کرده اند که از برای مخارج

رئیس - مذاکره در ماده سوم گویا از موضوع خارج باشد

مدرس - راجع باده دوم است اینست که ذکر فلسفه اش را نباید بکنند و بهمان ماده اول قناعت کند مسئله دیگر اینکه مالیاتی که در مملکت بر عایدات گذاشته میشود باید یک نظم و وفق باشد و این صد پنج بصد چهار در این زیاد است بواسطه اینکه املاک همین طور که اظهار داشتند عایداتش ده یک است و دولت ده یک میگیرد حالا در بعضی جاها پنج شاهی یک عباسی زیاد تر یا کمتر باشد فرق نمیکند با این ترتیب اگر بخواهند مالیات بدهند صد دو به بنده شاید بفلسفه نزدیکتر باشد اما صد چهار خیلی زیاد است در واقع اگر دولت پول می داشت و در بانک میگذاشت آیا صد چهار بامیدارند یا نه اگر بنا باشد دولت اینقدر مالیات بگیرد گمانم این است زیاد است و صد دو الی صد سه باید گرفت

حاج شیخ محمد حسن - بنده نسبت باین سه ماده که گفته شد دو ماده از او زیاد است

رئیس - این مسئله موضوع بحث نیست ماده سوم چهارم در موقع خودش خواهد آمد مراجع باده دوم است در این باب اظهاری ندارید ؟

حاج شیخ محمد حسن - خیر

حاج عز الممالک - لازم است خدمت -

آقایان عرض کنند که این مالیات تازه نیست که گفته شود زیاد است برای اینکه مالیات مستغلات در اغلب نقاط گرفته میشود است منتها بوجوب این لایحه از روی عدل و مساوات یا اساس صحیح از برای عموم بر قرار میشود و اما صدی چهار که آقا فرمودند زیاد است عرض میکنم بلی در املاک باید بیشتر گرفت ولی در مستغلات هم که صد چهار میفرمایند زیاد است بعقبه بنده زیاد نیست و اینکه فرمودند مستغلات را ده ربع قیمت میکنند و خرید و فروش میشود املاک ده یک مستغلات هم بطور عموم دهم ربع خرید و فروش نمیشود و آنکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند چرا در تحت سه ماده نوشته شده بنظر بنده لازم است و اگر باز در مواد بعد مخالفت فرمودند که چرا نوشته شده بنده توضیح خواهم داد

سلطان العلماء - بنده سابقاً شرحی عرض کردم و آقای مخیر فرمودند اینهم شبیه با املاک است بنده باک دلیل مختصری عرض میکنم که اگر کسی هزار تومان ملک بخرد در عرض سال افلا هشتاد تومان عایدی آن است و مستقل بخرید سی تومان است مراجعه بفرمایند به پیش همین تعویض و اخیر و از این نقطه نظر بود که بنده عرض کردم صد چهار از عایدی خالصی خلاف عدل است و اگر آقایان نمایندگان که وقتیه فرمایند ملاحظه خواهند فرمود که اگر کسی هزار تومان ملک بخرد هشتاد تومان عایدات خالص دارد و در مستقل سی تومان بایست و پنج تومان عایداتش بیشتر نمیشود حالا گذشته از اینکه در بعضی اوقات خرج فوق الطاقه هم بر آن طاری و عارض میشود که باید منافع سه چهار ساله خودش را صرف کند همانطوریکه سابقاً عرض کردم مستقل را مقوم ده ربع قیمت میکنند و صد چهار از عایدی خالص گرفتن خلاف انصاف است این بود عرض بنده که تکرار کردم

مخیر - اولاً تصور میکنم که در همه جا مستغلات باین ترتیب نباشد شاید در بعضی جاها باین ترتیب

باشد و آقا از آنها با اطلاع باشند ولی در همه جا اینطور نیست معمولاً اغلب ولایات ایران است که ملک را معمولاً ده یک و مستقیماً راجه نیم قیمت میکنند و از همین نقطه نظر عایدات او را میسوزند مثلاً اگر یک کسی هزار تومان ملک داشته باشد معمولاً عایدی او را از نود تومان الی صد تومان تعیین میکنند و برعکس مستقل داشته باشد قیمت هزار تومان از چهل تومان الی پنجاه تومان پس تقلیل عایدات مستقل برای گرفتن نتیجه که صد چهار زیاد است گویا صحیح نباشد اما مخارجی که فرمودند عین همان مخارج در املاک غیر مستقل هم هست قنات خراب میشود مجبورند مبلغ کلی صرف قنات کنند از این نقطه نظر یک مابه الامتیازی در املاک مستقل و غیر مستقل نیست هر دو خرج دارند فرض کنیم در املاک مستقل هزار تومان سی تومان عایدی داشته باشد همچو فرض کنیم باز هم در نظر گرفتن اختلافی ندارد میخواند صد تومان باشد یا سی تومان فرق نمیکند در هر صورت باید صد چهار آنرا بدولت بدهد از صد تومان چهار تومان مالیات مستقل دادن قابل این نیست که بگویم زیادهای کم است و حرف بزایم که مستقل چقدر عایدی دارد هر چه میخواهد داشته باشد یک مبلغ معقول (یک یا دو) عایدی دارد در هر صد تومان آن عایدی چهار تومان بدولت میدهد و این مبلغ عادلانه است و هیچ چیزی نیست که بر کسی تحمیل شود و عقیده بنده این است باید یکفردی هم زیاد کنیم.

رئیس - مذاکرات را آقایان در ماده (۲) کافی میدانند.

(جمعی گفتند کافی است و ماده ۳ بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مقصود از عایدات خالص سالانه عایداتی است که پس از وضع مخارج لازم از باب مواظبت و تعمیر عاید مالک میشود.

رئیس - در ماده سوم مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد) ماده چهارم بضمون ذیل قرائت شد

(ماده ۴ - مخارج و مصارف مواظبت و تعمیر مذکور در ماده ۳ برای کلیه مستعقلات یک خمس عاید سالانه منظور میشود به علاوه اخیری مالیات مستعقلات بر چهار خمس عایدات متعلق سالانه تعلق میگیرد.

رئیس - در ماده چهارم ملاحظاتی هست یا نیست؟

شود لهذا مخارج مستعقلات را بطور کلی همبست دادماند که یک خمس باشد و چون این حد اکثری بود که تصور میشد که از صد تومان عایدی بیست تومان خرج شود بابت واسطه برای صلاح و رفاه مالکین گفته شد که یک خمس بعنوان مصارف و مخارج مستقل موضوع شود.

حاج شیخ حبیب الله - عرض میکنم این مطلب که فرمودند صحیح است ولی علت را فرمودند که برای اینکه رقم اختلاف بشود اینطور قراردادها در صورتیکه ممکن است وقتی میخواهند تعمیر کنند همان قسمی که در باب اجاره دادن با اداره اطلاع میدهند و ثابت میکنند همان قسم مخارج را ثابت میکنند پس خوب است که بعد از وضع مخارج مطلقاً چه آن چیزهاییکه اسباب آبادی ملک است و چه چیزهاییکه لازم است خرج شود مالیات گرفته شود **مخبر -** اولاً - آقا در یکی از مواد بمراجعه بنمیرات اساسی ملاحظه خواهند فرمود که از برای یکدستی معاف خواهند بود و این مبلغی که از عایدات سالانه موضوع میشود در واقع برای تعمیرات جزئی است حالاً میفرمایند خوب بود چه متوسط برای تعمیر معین نمیشد و مخارج از عایدات مطلق موضوع میشود مالیات بر عایدات خالص بسته میشود در اینجا بنده تصور میکنم در عمل گرفتن مشکلات زیاد میشود اولاً کسی ضمانت خواهد کرد که مالکین وقتی عایدی خودشان را صورت میدهند در مقابل یک صورت بالا بلندی از مخارج ندهند که وقتی جمع خرج کنیم هیچ چیز باقی نماند که آنوقت صد پنج یا صد چهار بعنوان مالیات بدولت داده شود در اینصورت قسمت اعظم از مالیات بعنوان مخارج موضوع میشود و اینکه گفتند بدولت اطلاع بدهند و با اطلاع دولت تعمیر کنند گمان میکنم این مسئله جز خرابی مستعقلات فائده دیگری نداشته باشد تا برون بچینند و اجازت دولت بگیرند و مأمور معین کنند باران آمده در خانه خراب شده از این نقطه نظر گمان میکنم خدمتی بمالکین مستعقلات نکرده باشد بلکه یک ضرری بآنها وارد میشود و اگر درست ملاحظه فرمایند خمس عایدی آنها که از برای تعمیر منظور شده است خیلی کافی است بجهة اینکه یک تعمیرات مهمی ندارد یا مقید کاری است یا بنجره و در شکسته است یا از این قبیل مخارج است که فوق العاده نیست دیگر خمس از عایدات سالانه برای این مخارج زیاد هم هست به ممکن است یک سالی زیادتر شود اما یک سالی هم کم خواهد شد یا هیچ خرج نخواهد داشت روی هم رفته بیشتر از این نمیشود و اینطور که معین کرده است مخصوصاً برای این است که در ظرف چند سال روی هم دیگر را بیوشانند و از این بابت خسارتی بمالک وارد نشود پس بنابر این خوب است بهیئت ترینی که این نوشته شده است قانع شوند اصرار نکنند که مبلغ واقعی مخارج موضوع شود.

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

(ماده پنجم بضمون زیر قرائت شد)

ماده ۵ - عایدی هر یک از مستعقلات مذکوره در فوق اگر چنانچه در اجاره باشد از روی اجاره نامه مشخص میشود و هر گاه اجاره نرفته باشد اداره مالیه از روی ممیزی تشخیص خواهد داد باین ترتیب که آنها را با مستعقلات نظیر آن در همان نواحی و اطراف

نزدیک بآن واقع شده و تقریباً برای مصرف واحد مهیا شده اند سنجیده ممیزی می نمایند.

رئیس - در این ماده مخالفی نیست!

حاج شیخ حبیب الله - (در صورتیکه اجاره نرفته باشد) ممکن است یک شخص فقیری باشد که امرش از دکانی میگردد که خودش در آنجا نشسته است در حالتیکه غرض از این مالیات منافعو عایداتی است که این شخص میبرد کسی که در دکان خودش نشسته است عایدی از آن نمی برد مالیات بدهد بنابر این داخل در عایدات نیست و مالیات ندارد چون در اینجا مفید کرده اند بقیه عایدی در صورتیکه عایدی نداشته باشند باید مالیات هم نداشته باشند.

معدل الدوله - بنده میخواستم یک توضیح مختصری بدم آقا در این مورد یک اشتباهی میکنند که میگویند یک کسی که دکانی ساخته است و خودش در آنجا سکنی دارد کسی میکند یک مالک فقیری است بنده در همین شهر تهران نشان میدهم یک کسی را که در خیابان لاله زار یک مغازه ساخته و در همان منزل دارد و شاید ده هزار تومان خرج این مغازه کرده است و سالی دو هزار تومان فایده میبرد پس همین ملاحظه که چون خودش در این دکان نشسته است نباید مالیات بدهد؟ خبر از این دکانها هم مثل دکان کبابی بالا دست و پائین دست یک مالک برای حفظ امنیت شهر طهران گرفته میشود و بصرف نظریه میرسد لهذا از دکان کبابی هم که خود مالک نشسته است و اجاره نرفته مطابق دکان نظایر او مالیات معین می کنند و میگیرند.

رئیس - غیر از ایشان دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)

(ماده ۶ بضمون مضمون قرائت شد)

ماده ۶ - مستعقلات ذیل از دادن مالیات معاف میباشد (۱) مستعقلات متعلق بدولت (۲) موقوفات متعلق بیکي از اماکن مقدسه و مساجد کد دولت وقت آنها را شناخته و تصدیق کرده باشد و مستعقلات متعلق بدارالاسلام و دارالمعروف و ریاضخانه ها (۳) حمامها.

تبصره - مستعقلات مذکوره در فقرات ۲ و ۳ مالیاتها را که تاکنون بمیرداخته اند کماکان خواهند پرداخت.

(۴) مستعقلاتی که بلاعاصل فائده باشد (۵) خانهای مسکونی برای مدتی که مالکین شخصاً در آن خانه ها سکنی نموده اند.

آقای میرزا هاشم - بنده عرض میکنم از مخالف باین قانون هستم آنوقت میباید نسبت بیک قسمت از موقوفات این فرمایش را میفرمایند البته بکمیسیون قوانین مالیه نظری که کرده است از این نقطه نظر بوده است که چون این مستعقلات موقوفه منافشان خرج بعضی مصارف خرید میشود از این جهت مالیات را از آنها موضوع کرده و آن عرض را بنده راجع به تبصره میخواستم بکنم اینجا عرض میکنم چرا باید تبصیر کند یعنی بعضی از مستعقلات مالیات متعلق نگردد و نسبت بعضی دیگر تعلق بگیرد.

معدل الملک - یکی از چیزهاییکه خیلی لازم است در موقع وضع قانون در نظر گرفته شود فلسفه قانون است و بنده هر چه تمیق کردم نگاه نظر کمیسیون را در این خصوص بفرمایند نتوانستم بفهمم اگر کمیسیون نظری این است که بر این قبیل

حاج شیخ محمد حسن - هم مخالفم و هم موافق مخالفت بنده با فرمایشات ایشان است و موافقت با آنچه در این ماده نوشته شده است این مقدسه تمام جزئیاتش معلوم است قدس اما کن بواسطه صاحبان اماکن و کسانی که در اماکن موقوفند میباشد نه صرف موقوفات و این موقوفات معلوم است یا وقف بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام یا جاهای دیگر و آنها هم در این ماده داخل است.

حاج شیخ اسدالله - بنده باز هم عرض میکنم که مخالف اساسی این قانون نیستم ولی هر چه فکر میکنم فلسفه این مستعقلات را بنده نمی فهمم اگر چه بر من خیلی ناگوار است ولی عقیده خودم را در این موقع آزادانه میگویم مالیهاییکه بر این موقوفات تعلق میگیرد بنده تصور میکنم آنها هم یکی از مصارف خود آن موقوفات نمیتوان محسوب کرد مثلاً برای حرارت یا برای نهار چیزهای دیگر که نسبت به اساس مالیات عقیده داریم که ملت باید بدولت بدهد بنا بر این دیگر مستعقل کردن این مستعقلاتی که وقف بر اماکن مقدسه یا مساجد یا مدارس یا چیزهای دیگر است هیچ فلسفه ندارد قانون گذار وقتی قانون وضع میکند یا به یک نظر مساواتی در نظر بگیرد یک اصل را اتخاذ کند بعد از آنکه آن اصل را اتخاذ کرد آن وقت باید تمام مصادیق در تحت آن اصل باشد اعم از اینکه مال معنون باشد یا مال سفیر یا راجع بیک از اماکن مقدسه یا وقف بر حضرت رضا (ع) هیچ فرق نمیکند بنا بر این اگر ما بخواهیم موقوفات را مستعقل بکنیم باید مالیات مستقیم را هم که املاک میدهند این فلسفه را در نظر بگیریم و آنرا هم جزو مستعقلات قرار بدهیم و حال اینکه در مالیات مستعقلات و مالیات مستقیم هر دو یک نظر است یعنی در هر دو مالیات را از عایدی میگیرند و وقتی این فلسفه را در نظر بگیریم دیگر هیچ فلسفه بنظر من نمیرسد که این مستعقلات را در معاف باشند برای اینکه خیلی خانه ها است که مالکین آنها از جبهه استیصال یک قسمت آنها را اجاره میدهند باین جهت آن قسمتی که اجاره میروند معاف باشند بپیشنهاد هم کرده ام.

حاج شیخ حبیب الله - فقره پنجم میفرماید (خانه های مسکونی برای مدتی که مالکین شخصاً در آن خانه ها سکنی نموده اند) بنده عرض میکنم قید (شخصاً) دیگر لازم نیست بلکه باید یک چیزی غیر از این نوشت خوب است بنویسند (مالکین بسایندگان مالکین) مثلاً یک شخصی است که دارائیش زیاد است یک خانه خودش نشسته و یک خانه دیگری را داده است بیکي از بستگانش نشسته اند باید آن خانه هم که بستگانش نشسته اند معاف باشد اگر اینطور باشد باید از آنها مالیات گرفت و این خلاف مقصودی است که خانه های مسکونی از مالیات معاف باشند.

رئیس - پیشنهاد کنید.

مخبر - بلی اینکه آقا میفرمایند یک عیب دارد و آن اینست که آنوقت تمام مستأجرین کسان مالکین خانه ها خواهند شد.

رئیس - در فقره پنجم مذاکرات کافی است (گفته شد کافی نیست)

مستعقلات نباید مالیات بسته شود و معافیت این قبیل مستعقلات را از مالیات معین میدارند بنده عرض میکنم نسبت بمستعقلات یک فلسفه خاصی در پیش نیست که باید از مالیات معاف باشد بنده کاری ندارم که مالیات برای مستعقلات موقوفه وضع بشود یا نشود ولی مطلقاً عرض میکنم که اگر این معافیت از مالیات باید تمیق بشود باید املاک مزروعی که موقوفه است از مالیات معاف باشد فرق مابین ملک مزروعی و مستقل چیست منتها در مستعقلات مالیات بعنوان صدی چهار میشود دیگر فلسفه استناد کردن یک قسم از مستعقلات را بعنوان اینکه موقوفه است بنده نمیدانم چیست؟

رئیس - در فقره دوم مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است) در فقره سوم مخالفی نیست (مخالفی نشد) در فقره چهارم ابراهیمی (اظهاری نشد) در فقره پنجم بطور؟

حاج شیخ محمد حسن - خانهای مسکونی نظر باینکه دارالسکنه از برای مالک کانه یک عنوانی بهم رسانید که بیست جزء مستعقلات یا عایدی محسوب نشود باین معنی اگر چه فی حدنفسه یا عایدی است لکن چون برای ضرورت و دارالسکنه بودن خودش آنرا ایجاد کرده وجهه عایدی را در آن منظور نداشته باین جهت خروج موضوعی برهم زده است لهذا ما ادامی که این عنوان دارالسکنه را بر سر اوست ولو اینکه اتفاقاً دو ماه یا سه ماه سفر برود و اجاره بدهد و لکن چون هنوز در عنوان مستعقلات اجاره محسوب نمیشود از برای دو ماه یا سه ماه یا چهار ماه مالیات برای او قرار داد و مادامیکه عنوان دارالسکنه در آن مصداق دارد خارج از مستعقلات عایدی آوراست و نباید مالیهایی بر او مقرر نشود.

آصف الممالک - بنده چون اول باماده موافق بودم لهذا در اینجا پیشنهاد کردم که ذکر شود خانه هایی که قسمتش با اجاره میروند از مالیات معاف باشند برای اینکه خیلی خانه ها است که مالکین آنها از جبهه استیصال یک قسمت آنها را اجاره میدهند باین جهت آن قسمتی که اجاره میروند معاف باشند بپیشنهاد هم کرده ام.

حاج شیخ حبیب الله - فقره پنجم میفرماید (خانه های مسکونی برای مدتی که مالکین شخصاً در آن خانه ها سکنی نموده اند) بنده عرض میکنم قید (شخصاً) دیگر لازم نیست بلکه باید یک چیزی غیر از این نوشت خوب است بنویسند (مالکین بسایندگان مالکین) مثلاً یک شخصی است که دارائیش زیاد است یک خانه خودش نشسته و یک خانه دیگری را داده است بیکي از بستگانش نشسته اند باید آن خانه هم که بستگانش نشسته اند معاف باشد اگر اینطور باشد باید از آنها مالیات گرفت و این خلاف مقصودی است که خانه های مسکونی از مالیات معاف باشند.

رئیس - پیشنهاد کنید.

مخبر - بلی اینکه آقا میفرمایند یک عیب دارد و آن اینست که آنوقت تمام مستأجرین کسان مالکین خانه ها خواهند شد.

رئیس - در فقره پنجم مذاکرات کافی است (گفته شد کافی نیست)

رای میگیریم باینکه مذاکرات کافی است یا غیر آقا باینکه مذاکرات را در فقره پنجم کافی میدانند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - مذاکرات کافی است پنج و شش فقره اصلاح رسیده است قرائت می شود رای بگیریم

(پیشنهاد آقای آصف الممالک)

بنده پیشنهاد می کنم در آخر فقره پنجم از ماده شش علاوه شود (یا قسمتی از آنرا اجاره داده اند)

(پیشنهاد آقای مدرس)

پیشنهاد می کنم که در فقره اولی از ماده ششم بجای تصدیق کرده باشد نوشته شود (تصدیق مینماید)

رئیس - فقره دوم است اشتهاً اولی نوشته شده است.

(پیشنهاد سردار سمید)

پیشنهاد میکنم خانه های ملکی که مالک در آن ساکن است تا میزان یکصد و بیست تومان در تهران و شصت تومان در ولایات اجاره سالانه از مالیات مستعقلات معاف باشند و بیش از این مبلغ مالیات خود را موافق معمول بپردازند.

(پیشنهاد ثانوی آقای مدرس)

پیشنهاد میکنم که در آخر ماده ششم اضافه شود هفتم خانه هایی که سالانه شصت تومان و کمتر مال الاجاره آنها باشد

رئیس - آقای مدرس راجع به فقره دوم توضیحی دارید؟

مدرس - اینجا نوشته شده است که شناخته و تصدیق کرده باشد ظاهر عبارت این است که سابقاً تصدیق کرده باشد سابقاً هیچ اینطور مطالب محل احتیاج دولت نبود که تصدیق کرده باشد یا نکرده باشد لهذا بهتر این است نوشته شود تصدیق بنماید

مخبر - این اصلاح عبارتی است و این عبارتی که اینجا نوشته شده است بهتر است زیرا بیشتر تصدیق دولت نسبت بمالیات مستقیم قبول است پس باید باین ملاحظه اینطور نوشته شده است ایراد ندارد.

رئیس - مجدداً قرائت میشود و رای میگیریم (مجدداً بضمون فوق قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده فلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای آصف الممالک راجع به پیشنهاد خودتان توضیحی دارید؟

آصف الممالک - غیر توضیح همان بود که عرض کردم

مخبر - رجوع فرمایند بکمیسیون در آنجا مطالباتی بشود

(پیشنهاد تانی آقای مدرس مجدداً بضمون فوق قرائت شد)

رئیس - راجع باین مطلب سه نفر از آقایان پیشنهاد کرده اند یکی از آقای مدرس یکی از آقای مؤید الاسلام و یکی از آقای سردار سمید

مخبر - بنده تصور میکنم مطلب دو تا باشد

پیشنهاد آقای مدرس باطل است و آن دو پیشنهاد مطالب دیگری است این دو مطالب بکلی نقطه متضاد همدیگر است

سلطان العلماء - بنده هم پیشنهادی عرض کردم

رئیس - قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم خانه هائیکه مال الاجاره آنها دزدها را بلغ، پنج تومان شود از مالیات معاف باشند

رئیس - پیشنهاد شاهم همان پیشنهاد آقای مدرس است ایشان در سال شصت تومان نوشته اند جناب عالی مایه پنج تومان نوشته اند هر دو یکی است پیشنهاد آقای مدرس قرائت شده است اگر توضیحی دارید بفرمایید

مدرس - اگر چه بنده اصلاً با مالیات مستقالات مخالف بودم و عرض کردم خوبست لافاقل خانه ها را الزام کنند قبول نشد حالا که کلیه خانه قبول نشد عرض میکنم آن خانه هائیکه مایه پنج تومان که سالی شصت تومان است اجازه دادند از دادن مالیات معاف باشند زیرا این مبلغ خرج یک سرباز و مخارج خرابیهای جزئی است و بهمان فلسفه که عرض کردم بعضی اشخاص هستند که در خانه خودشان نشسته اند یک خلوتی یا دو اتاق را اجاره میدهند بنا بر این آنها دیگر در زحمت نمی افتند لهذا پیشنهاد کردم اگر مجلس قبول بکند آنجا بیکه از شصت تومان دوسال اجاره شان کمتر است ملتی شود

مخیر - بله آقای مدرس همان عقیده را که دو ضمن مباحثه در ماده اول بیان فرمودند یعنی مخالفت داشته اند با اینکه مالیات مستقالات بکلی خانه هائیکه اجاره میروند بر قرار شود در ضمن پیشنهاد میخوانند پیش برین اگر پیشنهاد ایشان پذیرفته شود بنده تقاضا خواهم کرد که کلیه خانه ها از دادن مالیات معاف باشند زیرا قسمت اعظم خانه ها آنهاست که از شصت تومان تا صد و بیست تومان اجاره دارند و اگر آنها را معاف کنیم دیگر چیزی باقی نخواهد ماند پس عرض اینکه در تحت این پیشنهاد آن عقیده اولی را پیش ببرند خوب بود که عقیده خودشان را بر واضح پیشنهاد بفرمایند اگر اکثریت مجلس با ایشان همراه بود قبول میفرمودند اینک میفرمایند خانه که مایه پنج تومان گرایه اش باشد این پنج تومان فقط حق یک سرباز است هر چند میگویم اولاً کسیکه خانه پنج تومانی دارد دیگر سرباز نگاه نمیدارد و ثانیاً مالیات عایدی پنج تومان دو قران است چنانچه پنج هزار تومان بهمان نسبت زیادتر دارد پس وقتیکه تناسب عایدی ملاحظه شود پنج تومان و صد هزار تومان هیچ تفاوتی ندارد متنها فرق پنج یا پنجاه تومان یا صد هزار تومان این است که مبلغی که بدولت عاید میشود زیادتر یا کمتر خواهد بود پنج تومان عایدی دو قران مالیات خواهد داد کسیکه بیشتر دارد بیشتر خواهد داد و بعقیده بنده این پیشنهاد را نپذیرد در این مورد قبول نکرد زیرا بنده هیچ تفاوتی بین آنها نمی بینم که بتوان یک استثنائی قائل شد بجهت اینکه بنده هیچ تفاوتی نمی بینم میان آن کسیکه پنج تومان عایدی از گرایه خانه دارد و آن کسیکه پنج تومان عایدی از گرایه دستان یا

یغمال یا چیزهای دیگر دارد چه فرق میکند پول پول است عایدی عایدی است و تمام این عایدات از بابت مستقل است پس از این نقطه نظر هیچ تفاوتی ندارد

رئیس - پس شما این پیشنهاد را قبول ندارید

مخیر - غیر

رئیس - پس رأی میگیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایانیکه پیشنهاد را قبول می دانند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای مؤید الاسلام که در جلسه قبل پیشنهاد شده بود و گفتند در ماده شش باید قرائت شود فعلاً قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که خانه های ملکی که کمتر از پانصد ذرع مساحت دارد از دادن مالیات مستقالات معاف باشند لیکن خانه هائیکه زائد پانصد ذرع مساحت دارد باید مالکین آنها از عده مالیات مستقالات برآیند

رئیس - آقای مخیر این پیشنهاد را کبسون قبول میکنید؟

مخیر - پانصد ذرع نمیتواند مقیاس بشود بواسطه اینکه یکجا در طهران دوست ذرع وسعت دارد ممکن است که با خانه دوهزار ذره که در کردستان است یک قیمت داشته باشد و بهنسبت گرانی و ارزانی زمین تفاوت میکند پس باین جهت ذرع را نمیشود مقیاس قرار داد در بعضی از ولایات خانه پانصد ذره بفت نیارزد ولیکن در اینجا خانه پانصد ذره خیلی قیمت دارد

مؤید الاسلام - آنوقت که بنده این پیشنهاد را کردم نسبت بخانه های ملکی بود که میبایستی مطرح مذاکره شود

رئیس - الا مسترد میبارید؟

مؤید الاسلام - بلی چون ماده اول گذشته مسترد میکنم

سردار سعید - بنده میخواستم عرض کنم اگر بنا باشد از خانه های ملکی مالیات گرفته نشود همان طور که آقای مخیر فرمودند عقیده بنده این است که بکلی خانه ها را از دادن مالیات معاف بدارند زیرا فقط در طهران و مشهد یابکی دو شهر دیگر خانه های گرایه پیدا میشود در سایر شهرها و قصبات عموم خانه ها ملکی است و هر کس پانصد ذرع خود خانه دارد که در آن سکونت دارد پس باین دلیل اگر بنا شود بخانه های ملکی مالیات بسته نشود باید عموم خانه ها را از مالیات معاف بدارند و اینکه گفتند خانه مسکونی چون مالکین در آنها ساکنند باید ملاحظه از ساکنین شده باشد چه ملاحظه باید از مالکین کرد؟ بعضی از آقایان فرمودند که خانه مسکونی عایدی ندارد بنده عرض میکنم غیر اینطور نیست آنها که عایدی دارند بجهت اینکه آن شخصی که خانه مسکونی دارد و در او زندگیانی میکند اگر آن خانه را نهداشت مجبور بود یکخانه مثل آن خانه اجاره کند خوب است قرار بدهند خانه هائیکه میتوان در او زندگیانی کرد یعنی در

طهران سالی صد و بیست تومان و در ولایات نصف این مبلغ اجاره داشته باشد از دادن مالیات معاف باشند و اگر کسی یک خانه برای تجرد و دستگاه خودش میخواهد داشته باشد باید مالیات معموله را بدهد و اینکه عرض کردم پانصد ذرع همان طوری که آقای مخیر اظهار کرده نمیشود مقیاس قرار داد

رئیس - این مسئله گذشت

مخیر - بنده در جلسه گذشته عرض کردم حالا هم تکرار میکنم این قانون مستقالات که از مجلس میگذرد باید باین نقطه نظر ملاحظه کرد که این مالیات بر عایدی مستقالات است وقتیکه این نظر را داشتیم قضیه قبل سهل و ساده میشود دیگر محتاج به بعضی اصلاحات نخواهیم شد مگر مایه قدری نظر را فلسفی بکنیم کسی که خانه از خودش دارد او هم باید مالیات بدهد زیرا اگر کسی خانه از خودش نهداشت مجبور می شد یک پولی بدهد و یک خانه اجاره بکند پس در واقع وقتیکه مالک در خانه خودش سکونت دارد مثل این است که پولش در جیب خودش است بله این صحیح است ولی ما میخواهیم بکنند نظری را ساده تر بکنیم وقتیکه یک عایدی معین واقعی دارد از آن عایدی معین خودش یک مبلغی را به عنوان مالیات بدولت بدهد اما وقتیکه کسی آن عایدی را ندارد نمیشود باو گفت تو هم مالیات بده تصور اینکه یک عایدی فرضی داری پس از این نقطه نظر اگر نظر بماند و بهمان چیزیکه بنده عرض کردم بر گر دانیم و این مالیات مستقالات را مالیات بر عایدی مستقالات تصور کنیم این اشکال رفع میشود از طرف دیگر چنانچه سابقاً عرض کردم در قانون گذاری ممکن است دو نفر مختلف پیدا شود یکی این است که بگویم در قانون می نویسد بدون اینکه مطمئن باشیم که میتوانیم وسایل اجرای آنرا فراهم کنیم قانون را خواهیم نوشت و هر وقت ممکن شد اجراء میکنیم این نظر بعقیده بنده نظر صحیحی نیست بجهت اینکه علاوه بر اینکه آن قانون پیش نمیرود مقصود حاصل نمیشود مقرر کنیم مردم را عادت میدهد بهی احترامی و باجراه نکردن قانون در صورتیکه اخلاق مردم را طوری باید بالا برد و طوری مردم را عادت داد که افراد مردم خودشان قانون را واجب و حتمی الاجراء بدانند بنابراین قوانینی را که جنبه تقسیم تمام وسائل پیشرفت اجراء آنها باید در نظر بگیریم و این پیشنهادی را که فرمودند قبول کنیم نتیجه آن عایدی با حاصل نخواهد شد و یک مضرتی که راجع بخدمت اجرای قانون خواهد بود در عرض آن عایدی موهوم بسا وارد خواهد شد بنا بر این خوبست در این موقع که قانون مستقالات را وضع میکنیم فقط بهیمن ترتیبی که در اینجا نوشته شده است اکتفا کنیم و بعد از اینکه از اجرای این قسمتهائیکه نوشته شده است مطمئن شدیم ممکن است مقنن مجدداً تجدیدنظری در این قانون بنمایند و بعضی چیز های دیگر هم که لازم است اضافه نماید هیچکس هم جلدی مقنن را نمیتواند بگیرد همیشه مقنن میتواند در قانون نظریات خودش را بکنند ولی در ابتدای قانونگذاری نباید تعجیل زیاد بر مردم بکنیم

رئیس - رأی باید بگیریم در قابل توجه بودن

این اصلاحیکه پیشنهاد شده است آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - دوباره رأی میگیریم چون آقایان یکی یکی برخوانند مشکوک شد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(باز هم عده قلیلی قیام نمودند پیشنهاد حاج شیخ حبیب الله بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که در فقره پنجم باین قسم نوشته شود - منزلی که مالکین شخصاً در آن سکنی نموده اند یا باجاره نرفته است از دادن مالیات معاف است

رئیس - توضیحی دارید؟

حاج شیخ حبیب الله - برای اینکه فقره پنجم میگوید خانه های مسکونی برای مدتی که مالکین شخصاً در آن خانه سکنی دارند معاف هستند و بسا هست کسان او در این خانه نرفته اند و باید مالیات بدهند باین جهت عبارت را تغییر دادم و نوشتم خانه هائی که مالکین شخصاً در اینجا نرفته اند یا باجاره نرفته است که معلوم شود که خانه هائی که کسان مالک در اینجا نرفته اند نباید مالیات بدهند

مخیر - کسان او نرفته باشد فرق نمیکند وقتیکه میگویند (شخصاً) رفع اشکال حضرت عالی میشود برای اینکه هیچکس نتواند در یک خانه نمی نشیند خودش با کسانش بنشیند بملاوه اگر در ماده اول مراجعه کنیم آنوقت مسئله خیلی روشن میشود که هیچ محتاج توضیح نیست بجهت اینکه در ماده اول وقتی میخواهد تعیین کند که مالیات مستقالات بجهت نوع مستقل تعلق میگیرد میگوید خانه های اجاره معلوم است بخانه غیر اجاره مالیات تعلق نمیگیرد و محتاج توضیح نیست

حاج شیخ حبیب الله - بلی صحیح است

رئیس - پس این پیشنهاد را مسترد میبارید

پیشنهاد آقای حاج شیخ محمد حسن قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

این اقل پیشنهاد منبنا میم که در فقره پنجم نوشته شود که خانه های مسکونی مادامیکه از عنوان دارالسکنا خارج نشده است اگر چه گاهی هم باجاره داده شود از مالیات معاف خواهد بود

رئیس - توضیحی دارید؟

حاج شیخ محمد حسن - نظر پانیکه مالک پس از آنکه انتفاع آن خانه را بر اخلد عایدی مقدم داشت و او را دارالسکنا میخوانند خود قرارداد باین جهت چون از برای عایدی نیست و مالیات هم بر روی عایدات است بنا بر این بیک همچو خانه دارالسکنا تعلق نمیکند نه اینکه آن را استثنا کرده باشیم بلکه وقتی که اینطور شد آن خانه دارالسکنا میخوانند شخصی است البته گاهی هم میشود که صاحب آن خانه بزیارت میروند و یک کسی پیدا میشود و یک جزئی مال الاجاره هم میدهد باین وصف نمیشود آن عنوان دارالسکنا میخوانند را بهم زد معنی اینکه یک ماه یا دو ماه باجاره داده آن وقت باو بگویند بواسطه اینکه دو ماه اجاره داده نباید مالیات بدهی و گانه این مالیات مثل مالیاتی است که بزور از مردم میگیرند زیرا آن شخص عایدی از آن خانه برای خود تراندرده تا ما داخل در آن موضوع بشویم زیرا کسی که انتفاع از یک خانه نمیشود

ببرد و تا امروز هم نبرده است و صرف نظر از عایدی آن خانه سکندر او را بطور میتوان جزء مستقالات عایدی آور محسوب داشت پس این مالیاتی که بر خانه های عایدی آور است بر این مالک اصلاً مورد پیدا نمیشوند و نه هائیکه دارالسکناست و اتفاقاً گاهی یک ماهی دو ماهی باجاره میروند او را نمیتوان جزء مستقالات عایدی آور محسوب داشت و او خارج از این قانون است و نمیشود او را مجبور کرد که چون یک جزئی عایدی از این خانه برده حساباً بیا از دارالسکنا میخوانند خودت بآن اندازه مالیات بده این است که بنده پیشنهاد کردم خانه مادامیکه دارالسکنا میخوانند معاف باشد اگر چه یک مدت قلیلی هم باجاره رفته باشد آن مدت قلیلی هم از دادن مالیات معاف باشد چون جزو قلیل را نباید ملاحظه کرد

رئیس - کبسون قبول دارند؟

مخیر - غیر

رئیس - پس رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

ماده ۷ - مستقالات جدید البتاه و مستقالاتی که بواسطه حادثه از قبیل حریق زلزله سیل و امثال آن محتاج به تجدید بنا یا تعمیر کلی بشوند از روز ختم بنا تا دو سال از دادن مالیات مستقالات معاف خواهند بود مشروط بر اینکه شروع و ختم بنا کلیتاً بوزارت مالیه اظهار شود

حاج شیخ اسد الله - در این ماده میبوسد خانه های جدید البتاه و خانه هائیکه بواسطه حوادثی محتاج به تجدید شده است تا مدت دو سال از دادن مالیات معاف باشد بنده تصور میکنم هیچ محتاج باین عبارت نباشد بسا هست که خود مالک مستقیماً در خیال می افتد که خانه اش را بیک اسلوب جدیدی تغییر بدهد بواسطه حوادثی محتاج به تغییر شده باشد یا اینکه مالک بمیل خودش میخواهد خراب کند گمان میکند بهر نهی که باشد حکم عمارت جدید البتاه را داشته باشد و باید تا ده سال معاف باشد و مخیر هم که تشریف نداشتند تا جواب بدهند که در اینجا چه نظری داشته اند که در قانون بحریق و زلزله و سیل تصریح شده است دیگر نوشته است که اگر خود مالک بخواهد خراب کند در صورتیکه تصور میکنم اگر خود مالک هم بخواهد خراب کند همان حکم را دارد و حالا بنده آن آقای مخیر نظرشان در آنجا چه بوده است حالا هم که آمدند بنده دیگر عرایض خود را تکرار نمیکنم

حاج شیخ حبیب الله - زمان معافیت مالیات را از روز ختم بنا تا دو سال قرار داده اند خوبست از روز خرابی قرار بدهند بجهت اینکه وقتیکه یک خانه خرابست و قابل سکنی نیست مسلماً قابل دادن مالیات نیست همچنانکه از روز ختم بنا از مالیات معاف است خوبست قرار بدهند از روزیکه حریق واقع میشود یا سیل برده از آنروز از مالیات معاف باشد

مخیر - بنده تصور میکنم که از آنروز قطعاً معاف است بجهت اینکه مسلوب المنفعه است و مطابق آن ماده که میگوید کلیتاً مستقالات مسلوب المنفعه از دادن مالیات معافند البته از روزی که خراب می شود یا آتش میگیرد یا سیل میبرد از دادن مالیات معاف میشود دیگر مالیاتی باو تعلق نمیگیرد مالیات

از عایدی مطالبه میشود اما اینکه نوشته شده است تا دو سال معاف است از برای تشویق و ترغیب مردم است بساختن مستقالات از یکطرف وقتی که یک حادثه برای یک کسی واقع میشود البته آن حادثه اختیاری نیست و اتفاقاً حادث شده است برای اینکه بهمان تناسبی که باو ضرر وارد شده دولت هم باید تحمل ضرری بکند از این نقطه نظر گفته شده است تا دو سال از مالیات معاف است و البته بنا بر این از روزیکه بنا تمام شد باید یک مدتی از مالیات معاف باشد نه از روزیکه خراب شده زیرا اقلاً چون از روز خرابی مسلوب المنفعه است قهرأ مالیات ندارد و ثانیاً از روز خرابی مدت تعیین کردن مشکل است زیرا بسا میشود یک بنا خیلی کار دارد و ممکن است دو سال طول بکشد تا تمام شود یکی است دو ماه طول میکشد یکی ۶ ماه پس از این نقطه نظر بهیمن قسمی که نوشته شده است بهتر است

حاج شیخ حبیب الله - مقصودم این بود چون یکدفعه املاک بلافاصله در تمام سال مالیاتی معاف یک وقت است که اگر در یک ماه هم بلا فائده است آنها باید معاف باشد همچنانکه در فوق دارد که مستقالاتی که باجاره نرفته است باید معینی کند با بواسطه اینکه مغرور است بیکه بلافاصله معاف پس خوبست قید بشود در آن بیکه که بلافاصله معاف از مالیات معاف باشد و در آن یک ماه حق مطالبه نداشته باشد اگر رعایت این نکته را بفرمایند که املاک بلافاصله معاف و اولی در یک ماه بلافاصله معاف باشد از دادن مالیات معاف باشند ضرر ندارد

حاج شیخ اسد الله - فرمایش آقای مخیر بیک اشکالی غیر از آن اشکالی که سابقاً داشته برای بنده نمیباید کرد و آن این است که میفرمایند برای این حوادث یک ضرری بمالک وارد میشود و نسبت به عایدی او همان اندازه ضرر بدولت وارد میشود بنابراین آن مالیاتی که دولت میگیرد در آن مورد نمیکرد پس اگر یک نفر مالک که باره خودش و اختیار خودش تغییر بدهد یا میکند در صورتیکه خانه او معاف حوادث واقع نشود باید مالیات بدهد ولو ۱۰ سال طول بکشد و این هیچ دارای فلسفه نیست باید کلیتاً اینقسم نوشته عمارت جدید البتاه یا هر عمارتی که مالک میخواهد تجدید کند یا اینکه وضعش را باسلوب جدید تغییر بدهد و یا یک مرتبه فوق العاده در او بکند از دادن مالیات معاف باشد بواسطه اینکه خودشان میفرمایند این مالیات بر مستقالات نیست مالیات بر عایدات مستقالات است و این مدت عایداتی ندارد که مالیات بر او بگذارند بنابراین مقید کردن باین قید (که در صورتیکه بواسطه حریق یا سیل یا حوادث غیر مترقبه بخواهد عمارت را تجدید کند) یک چیز خیلی مشکلی است و قلع است باید کلیتاً نوشته شود اهم از اینکه بواسطه حوادث فوق العاده بخواهد عمارت را تجدید کند یا اینکه بدون هیچ حادثه بخواهد عمارتش را مرتب کند آنوقت که مطابق این فلسفه که مالیات بر عایدات تعلق میگیرد از مالیات معاف باشد دیگر ذکر این قیود در این جا زیادتی است

مخیر - دقت فرمودید ذکر این قیود در اینجا زیادتی نیست در این ماده در قسمت اولش که

جدید البناه را معاف کرده است برای این است که مردم را تشویق بساختن مستقالات بکنند این فقط از نقطه نظر تشویق بوده است و البته هیچکس بشر خودش رضی نمیشود هر وقت کسی یک سرمایه دارد میباید یک منفعتی از آن سرمایه خودش ببرد میل دارد ملک بفرود میل دارد تجارت بکند میل دارد مستقل بسازد و بعد از آنکه تمام شد البته یک هایدی از آن میبرد و آنوقت اگر تعین مالیاتی بر او بشود شاید همین نقطه یوانی را که باید معارج تعمیر بناه خودش بکند و مستقل خودش را بسازد بواسطه همین تعین مالیات ترجیح بدهد که آن پول خودش را ملک بخرد از این نقطه نظر برای زیاد شدن مستقالات تشویق شده باشد لهذا برای مدت دو سال معاف آنها را معاف کرده اما قسمت دوم که راجع به عریق و زلزله و فلان است آنهم لازم است بجهت اینکه یک چیزی است غیر اختیاری و اختیار خارج است فرض کنید یک حریق که پیدا شد و دکان کسی را سوخت در این مدتی که هایدی ندارد تکلیف اهرم در همین لایحه معلوم است ولو اینکه سوخته باشد هم تا وقتیکه خالی است دولت از او مالیات نمیگیرد پس آن نظر جناب عالی کاملاً منظور شده است و تا وقتیکه هایدی نداشته باشد مالیات نمیدهد و این برای آن است که صاحبش آن خانه را مرمت نماید و علاوه بر اینکه در ظرف شش ماه یا سه ماه یا کمتر یا بیشتر که مشغول تعمیرات چون خرابی این دکان یا این مستقل بختیار و اراده او نبوده است بعد از تعمیر هم باینکه هایدی دارد دولت او را دو سال از مالیات دامن معاف میکند تا آن معارج فوق العاده که کرده یک اندازه جریان شود و این دو نظر باهم متفاوت است و هیچ مربوط بهم نیست و همین قسمیکه نوشته شده است خیلی خوب است

رئیس - دیگر مخالفی نیست - پیشنهاد آقای معوض قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که در آخر ماده هفتم بجای (مشروط بر اینکه شروع و ختم بنا الی آخر) نوشته شود (مشروط بر اینکه ختم بنا را الی آخر)

مدرس - عرض این است که این اصلاح عبارتی است ولی مطلب فرق میکند شروع را چرا باید اطلاع بدهد؟ این هیچ فلسفه ندارد و یک زحمتی است برای مالک ولی ختم را اطلاع بدهد بسیار خوب است لهذا پیشنهاد کردم شروع را ببنادند

مخبر - بمقیده بنده مخصوصاً باید شروع را هم اطلاع بدهد زیرا که برای مالک اسباب سهیل میشود اگر اطلاع بدهد اداره مالیه نمیداند و چون نمیداند در دفاتر خودش اسم او را ثبت کرده و مبلغی هم بعنوان مالیات بیای او نوشته وقت گرفتن مالیات مدتی مابین اداره مالیه و مالک معاکه خواهد بود که چه وقت خراب شده و در چه موقع خراب میشود لهذا باید هم موقع شروع به تعمیر و اطلاع بدهد (که اگر اداره مالیه لازم بداند بیاید معاینه کند) و هم موقع ختم بنا هر دو را باید اطلاع بدهد

مدرس - این بیانی که فرمودند برای وقتی اطلاع دادن هیچ فایده ندارد بلی وقتی که خراب شد اطلاع بدهد این بار یک جهتی دارد اما وقتی که میخواهد شروع کند اطلاع بدهد هیچ فایده ندارد حالا

میخواهند قبول کنند و الاصراری ندارم .
رئیس - رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقابانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند .
 (عده قبلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد - اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده هم بناه است شب ۲۹ باشد ولی چون خیلی طول میکشد اگر مخالفی نباشد بماند برای شب سه شنبه ۲۸ دستور شب سه شنبه ۲۸ دوفتره اعتبار نامه های آقایان آقا شیخ ابراهیم و صدر الاسلام بوقیه شوراول در قانون مستقالات خواهد بود .

شیخ الملک - راجع به اعتبار نامه آقای حاج اعتبار السلطنه که رسیدگی آن را بکمسیون نظامنامه داخلی رجوع فرمودند گمان میکنم در این چهار ماه این کمسیون هیچ تشکیل نشده است اگر مدتی بعین منوال بگذرد اهالی هم بکنی از حق انتخاب محروم خواهند بود .

رئیس - بلی صحیح است کمسیون را منعقد میکنند و رسیدگی میکنند ولی این مسئله هم راجع به اعتبارنامه آقای حاج اعتبار السلطنه نبود راجع یک مطلب قانونی بود .

(مجلس پنج ساعت از شب گذشته ختم شد)
جلسه ۶۵
صورت مشروح مجلس شب سه شنبه ۲۸ شهر رمضان ۱۳۲۷
 مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس شب ۲۵ قرائت شد .

قائمین بدون اجازه - آقای نجفعلی میرزا .
 حاج شیخ اسماعیل . آقا سید فاضل . مدرس .
 حاج معین التجار . ناصر الاسلام . سردار متمد .
 قائمین با اجازه - آقایان حاج سید اسدالله سلطان العلما

رئیس - در صورت مجلس آقایان ایراداتی دارند یا خیر ؟

معدل الدوله - در اینجا نوشته شده است برای اینکه مابین مالیات دهندگان و مالیات گیرندگان اختلاف شود یک خمس از هایدات برای معارج تعیین شده و حال اینکه باید نوشته شود برای اینکه باعث اختلاف نشود .

رئیس - اصلاح می شود دیگر قریب از این ایرادی نیست (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد دستور امشب رسیدگی به اعتبار نامه های آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی و آقای صدر الاسلام و بعدش در بقیه قانون مستقالات میباشد راجع به انتخاب آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی مخالفی هست ؟

آقای میرزا هاشم - خاطر آقایان مستحضر است که در باب انتخابات غمخنده بنده چون در شب ششم بودم در باب انتخابات نمایندگان معترض آنجا را بواسطه ندیدن دوسیه و بعضی تحقیقات مخالفت کردم تا اینکه دوسیه را خواستید و در آن نظر ننموده و رفع اختلافات شد و علاوه نمی خواهم نسبت ببعضی ترتیبات معارضه بپنل بشود .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) رای می گیریم بنماینده کی آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی

از زنجان آقابانی که نمایندگان ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند .
 (اغلب قیام نموده نمایندگان ایشان تصویب و رایورث شنبه ۶ راجع بنماینده کی آقای صدر الاسلام بمضمون ذیل قرائت شد)

شبه ۶ عصر دوشنبه ۲۷ شهر رمضان المبارک مجدداً منعقد شد در موضوع اعتبار نامه آقای صدر الاسلام نماینده غمخنده تجدید نظر نموده اشکالی که در باره مضای شیر المالک که در ذیل اعتبارنامه مزبور بهر و امضاء نموده داشته یعنی رسمیت مشاورایه معلوم نبود بملاحظه دوسیه انتخابات غمخنده که از وزارت جلبله داخله رسیده بود رفع اشکال گشته و معلوم شد که مشاورایه از طرف جناب آصف الدوله بسمت نایب حکومت یافته و صورت مجلس و انتخابات غمخنده اخیراً در زمان نایب حکومت ایشان غایب یافته لهذا اعتبارنامه و صورت مجلس بهر و امضای ایشان است و اشکالات دیگر چون مضر بانتخابات آقای صدر الاسلام نبود و شکایتی هم در انتخاب ایشان نریده معیناً شب شش انتخاب آقای صدر الاسلام را که با اکثریت ۹۱۸ رأی در غمخنده انتخاب شده اند با اکثریت آراء شعبه صحیح و معتبر میدانند

رئیس - در این خصوص ایرادی هست یا نیست ؟ آقای شریف العلما در جلسه قبل مخالفت کردند حالا هم مخالف هستند ؟

شریف العلما - چون بنده جزو شبه ۶ بودم و رسیدگی شعبه را ناقص می دانستم از اینجهت مخالفت کردم و بعد از اینکه دوسیه این کار را ملاحظه کردم و شب هم تصویب کرد دیگر مخالفتی ندارم .

رئیس - حالا که دیگر مخالفی نیست رای میگیریم بوکالت آقای صدر الاسلام از زنجان آقابانی که وکالت ایشان را تصویب می کنند قیام نمایند .
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد شروع میکنیم بشوراول بقیه قانون مستقالات از ماده (۸)

(ماده مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۸ - هر یک از مستقالات مذکوره که بیش از ۳ ماه مسلوب المنفعه بماند مالیات مدتی که مسلوب المنفعه بوده است یا تخفیف داده میشود

حاج شیخ محمد حسن گروسی - مبنای مدار وضع مالیات مستقالات از جهت هایدی داشتن مستقالات بوده و در واقع شرط وضع مالیات بر مستقالات هایدی داشتن مالک است و در اینجا مرقوم شده (هر یک از مستقالات مذکوره که بیش از ۳ ماه مسلوب المنفعه بماند مالیات مدتی که مسلوب المنفعه بوده است یا تخفیف داده میشود) بنده عرض میکنم بعد از آنکه مستقل مسلوب المنفعه باشد موضوعی از برای مالیات نمیداند تا اینکه یک منت بی جهتی برممالک آن گذاشته شود و تا وقتیکه مسلوب المنفعه است مالیات آن تخفیف داده شود و آنرا از مالیات معاف بدارند و از طرف دیگر اگر چنانچه مستقلی ۳ ماه یا کمتر از ۳ ماه مسلوب المنفعه بماند بموجب این ماده باید مالیات از آن گرفته شود بنده عرض میکنم صاحب مستقلی که بواسطه مسلوب المنفعه بودن آن مستقل چیزی باو نرسیده است چطور میتواند مالیات چیزی

را که موضوع ندارد بپردازد و در این صورت چیزیکه هاید مالک نشده تا مالیاتی بدولت بدهد در صورتی مالک میتواند قسمتی از هایداتش را بدولت بدهد که یک قسمتی هم بخود آورسیده باشد و مفروض این است که ملک مسلوب المنفعه بوده است علیهذا بنده این ماده را بجهت همین خصوصیاتش زائد میدانم .

رئیس - چون مغیر حاضر نیستند جواب بگویند ممکن است آقای رئیس کمسیون جای مغیر را بگیرند و جواب بدهند .

حاج عز الممالک - این اظهاراتیکه آقا کردند اصلاً صحیح است و همین مناسبت هم کمسیون این ماده را پیشنهاد کرده برای اینکه مستقلی که مسلوب المنفعه باشد دولت هم نباید از آن مالیات بگیرد ولی باید خاطر آقایان مسبق باشد که مالیات سالیانه وضع میشود دولت نمیتواند آنرا ماهیانه بگیرد و برای رفاهت صاحبان مستقل ملاحظه که کمسیون کرده این بود که قسمتهائی در سال معین کنند که از آن قرار مالیات اخذ شود و معمول این است که مالیات بچهار قسط گرفته میشود باین جهت بود که سه ماه نوشته شد که هر سه ماه یک قسط باشد حالا اگر فرضاً میخواهیم بپرسیم که ملک مستقل هر موقعی که مسلوب المنفعه بماند مالیات از آن گرفته نشود یک قدری اسباب اشکال برای دولت و برای مالک میشد و بایستی دفاتر زیادی و مأمورین زیادی برای اینکار داشته باشند که هر یک مدتی یک مستقلی مسلوب المنفعه بماند حسابش را نگاهدارند و اگر اینطور باشد باید قائل شویم که پنج روز هم اگر مسلوب المنفعه بماند چون مسلوب المنفعه بوده است دولت نباید مالیات آن پنج روز را بگیرد و در واقع اگر ما بخواهیم عملی باشیم و فقط لفظ نباشد چون مبینیم این حرف عملی نیست که مالیاتی که سالیانه وضع میشود و با قسط گرفته میشود مالک بگوید چون این ملک پنج روز مسلوب المنفعه بوده است باید مالیات این پنج روز از مالیات سالیانه کسر شود و معلوم است با این ترتیب خرج تقشیر و تحقیق آن اشغالی که باید در این کار دخالت و تحقیق کنند بیشتر تمام میشود از مالیاتی که کمبگیرند پس ترتیب عادلانه همین طور است که مالیات سالیانه را بچهار قسمت منقسم کنند و آن وقت در هر موقع بقدر سه ماه که یک قسمت باشد آن ملک مسلوب المنفعه بماند دولت مالیات آن قسمت را از آن بگیرد و الا دور و تسلسل پیدا میشود و باید اگر یک روز آن ملک مسلوب المنفعه بود اداره مالیه خودش را مسئول بداند که مالیات آن یک روز را از مالیات سالیانه آن کسر کند .

حاج شیخ حبیب الله - علت وضع این مالیات مالکیت نیست بلکه بواسطه این است که چون مالک از آن ملک انتفاع میبرد باید یک حقی هم بدولت بدهد پس بنا بر این باید در صورتیکه ملک مسلوب المنفعه بماند دولت حق گرفتن از آن را نداشته باشد زیرا فلسفه وضع مالیات داشتن هایدی و منافع مالک است لهذا وقتیکه ملک مسلوب المنفعه بماند و هر ده روز باشد دولت نباید حق مطالبه مالیات از آن داشته باشد و اینکه آقای حاج عز الممالک میفرمایند چون مالیات سالیانه گرفته میشود نمیشود از برای یک ماه دو ماه ملاحظه این جزئیات کرد عرض میکنم همچنانکه مالک مستقل

باید اسم خودش را بدفتر اداره مالیه ثبت نماید همچنین هر وقت که آن مستقل بی منفعت و بدون اجازه مانند بدولت اطلاع خواهد داد فرق نمیکند هایدی اصل در صورتیکه ملک مسلوب المنفعه باشد تا زمانی که مسلوب المنفعه است نباید مالیات از آن گرفته شود و مطلب دیگری هم هست که بعد عرض خواهم کرد .

منتصراً السلطان - اینجا اظهار شد که اگر یک ماه یا ده روز یا بیست روز یا کمتر ملک مستقل دائر نباشد نباید مالیات از آن گرفته شود فرضاً یک مستقلی که در سال صد تومان اجازه آن باشد یک خمس آن که بیست تومان است برای معارج و مصارف آن موضوع میشود و از هشتاد تومان دیگر آن صدی پنج که چهار تومان باشد گرفته میشود و اگر یک ماه مسلوب المنفعه بماند دولت باید یک اداره و مفتش و دفتری درست کند برای اینکه مالیات یک ماه آنرا که تقریباً ۳۱ قران و هفت شاهی میشود از آن موضوع دوات خواهد شد به همین ملاحظه کمسیون اینطور صلاح دید که یک کسی که در سال مبلغی هایدی میبرد از مالیات سه ماهه آن یک تومان باشد صرف نظر کند اگر چه در اینجا یک ضرری بر صاحب مستقل وارد میشود ولیکن این ضرر جزئی برای او قابل اهمیت نیست اما برای دولت که نماینده جامعه افراد ملت است و باید خرج خود آنها کند خیلی است و نمیتواند این ضررها را متحمل شود اگر این ملاحظات را بکنیم باید از برای هر دکانی یک دفتری درست کنیم و متصل دفاتر مأمورین نماییم و این ترتیب اسباب اشکالات زیاد برای دولت خواهد شد پس برای سهولت امر قانون گزار باید بعضی چیزها را ملاحظه کند که دچار اشکال نشود

حاج شیخ اسدالله - خلاصه دفاعی که در اینجا شد این است که برای دولت زحمت دارد که تا بیست دفتر و تمین مفتش و رسیدگی بحساب بکنند پس بنا بر این باید از مستقلی که هایدی ندارد مالیات گرفته شود بنده عرض میکنم این اظهارات منطقی نیست مگر در اینجا مذاکره شد که این مالیاتی که وضع میشود مالیات مستقالات نیست بلکه مالیاتی است که بر عایدات مستقالات وضع میشود و بعد از آنکه بنده این نظر را در وضع این قانون داشته باشم باید در هر جا و هر موقعی که مستقل هایدی دارد و مالیات از آن گرفته شود و در هر موقعی که هایدی ندارد و لو ده روز باشد مالیات از آن مطالبه نشود و اینکه آقای حاج عز الممالک دفاع میفرمایند که مالیات سالیانه یا سه چهار قسط گرفته میشود بطیقه بنده سه قسط یا ده قسط هیچ فرق نمیکند و باید بهمان نظری که راجع بقسمت زیادتر از سه ماه ملاحظه میکنم بهمان نظر هم در سه ماه یا کمتر از آن ملاحظه کنند مثلا میفرمایند اگر متجاوز از سه ماه مسلوب المنفعه بماند مالیات از آن گرفته نمیشود عرض میکنم بهمان نظری که در اینجا تصدیق دارند که نباید مالیات گرفته شود باید همان نظر را هم در سه ماه یا کمتر که مسلوب المنفعه بماند منظور بدارند و در اینجا یک مطلب مهم فوق العاده نیست که مذاکرات طولانی بشود و خود آقای عز الممالک هم اساساً تصدیق فرمودند

که انصافاً مالکی که فایده ندارد و مالک از آن انتفاعی نمیبرد نباید مالیات بدهد اما بواسطه یک محسنتانی که اینجا ذکر کردند که دولت باید چندین دفتر و مفتش داشته باشد باز میفرمایند گرفته شود در صورتی که ممکن است اداره بلدی در باب مستقالات مفتش و ناظر باشد و راپورت آنرا با اداره مالیه بدهد و هیچ اشکالی هم از برای دولت ندارد و هر روزی که مالک از آن انتفاع نبرد نباید مالیات از او گرفته شود .

مخبر - بنده تصور میکنم مذاکرات در این ماده نباید تولید یک مباحثات اساسی بکنند یا اینکه مبنای این قانون معلوم است چه چیز است و نمیشود گفت اساس این قانون مالیاتی است که بر هایدی مستقالات وضع میشود معیناً اگر میخواهیم آن اهل درجه عدالت را منظور کنیم بنده هم با آقای حاج شیخ اسدالله موافق میشدم و میکنم هایدی مستقالات را ساعت ساعت بسنجند و بعد مطابق هایدی که دارند مالیات بدهند و آن ساعتی که مسلوب المنفعه است نباید از آن مالیات گرفت ولی وقتی که قسمت عملیات را ملاحظه کنیم و این قانون را مثل یک چیزی که روی کاغذ آورده باشیم نظر نکنیم آنوقت در موقع مالیات گذاری باید یک جنبه عملی را که در هر مورد باید ملاحظه و منظور شود در نظر بگیریم و الا اگر مطابق فرمایش ایشان بخواهیم باین مقصود برسیم باید بگوئیم اداره که مأمور وصول این مالیات خواهد بود یک مأمورین زیادی داشته باشد که حتماً رسیدگی بهر مستقلی بنماید و آنوقت ساعتهای مسلوب المنفعه بودن و مسلوب المنفعه نبردن آن را در یک دفتری ثبت کنند و بعد از روی آن دفتر مالیات بگیرند آنوقت تصدیق خواهد فرمود که این طور مالیات ابداً برای دولت ارزش ندارد و ما باید خودمان را مقید بکنیم بیک مدتی معینی یک حد اقل و اکثری معین کنیم یعنی دولت برای بیشتر کار خودش مکلف است یک حد اقل و اکثری را برای مستقالات مسلوب المنفعه در نظر داشته باشد و آن مدت سه ماه معین شده است وقتیکه تصدیق گردید که باید یک مدت معینی باشد همان حد اقل و اکثری است که کمسیون سه ماه معین کرده است و آنرا بنظر آقایان رسانیده است و گمان میکنم همانطوریکه بنظر کمسیون رسیده است بهتر است حالا شما نظرتان یک چیز دیگری است چندان تفاوت نمیکند ماده نهم قرائت میشود .

ماده ۹ - هر کس که مالک مستقلی است و یا حق انتفاع از آنرا دارد باید هایدی سالیانه آنرا با اداره مالیه محل اظهار نماید و ترتیب این اظهارات و مدت مهلت آن در نظامنامه که در ماده ۱۸ این لایحه مذکور است معین خواهد شد .

رئیس - در باره ماده ۹ مخالفی هست یا نیست ؟

حاج شیخ محمد حسن گروسی - حق انتفاع دارد مثل این است که اجازه میکند فلسفه این را آقای مغیر میفرمایند که معلوم شود کسیکه یک خانه را اجازه کرده است چه منفعتی میبرد در صورتیکه هایدی آن مال مالک است هایدی آن خانه حق آن کسیکه آن خانه را اجازه کرده است نیست

تا يك تكلیفی شامل حال او بشود آن سسائیکه بواسطه اجاره کردن ملک مستقل حق انتفاع دارند آنها چرا مکلف باشند تعیین عایدی نموده و بدولت اطلاع بدهند خوب است آقای مغربدر این خصوص توضیحی بدهند تا مطلب معلوم شود.

هخبر - قسمت اعظم نظر در ماده باین بوده است چنانچه در مواد قبل ملاحظه فرمودند که دولت يك صدى پنج بتواند مالیات بگیرد و این را هم گزینم این عایدات یا از روی اجاره معین میشود یا از روی میزبى میزبى کردن معلوم است افزوده خیلی اسباب زحمت برای دولت خواهد بود و هیچ از برای دولت فرق نخواهد کرد که مالک معین کند یا کسی که حق انتفاع از آنرا دارد دولت در این باب نظری ندارد فقط مقصود دولت تعیین عایدات است اگر ما معین میکنیم که حتماً مالک باید اطلاع دهد ممکن بود يك ملكی که اجاره داده شده است صاحب آن ملك به یشکی دنیا رفته باشد آنوقت مطابق این قانون مستاجر مکلف شامه هیچ حق ندارد این مسئله را از من بخواهد و باید از مالک بخواهد در هر صورت ضرر ندارد و اسباب پیشرفت و تسهیل کار است و دولت زودتر مطلع میشود لهذا بنده اشکالی در این ماده نمی بینم.

حاج شیخ اسدالله - بنظر بنده يك اصلاح عبارتی می آید والا مطلب معلوم است.

رئیس - اصلاح عبارتی را بنویسید بفرستید به کمیسیون.

حاج شیخ محمد حسن - ضرر نداشتن مطلب غیر از مکلف کردن کسی است که خارج از کار باشد بعد آنکه گفتیم عایدی حق مالک است نه مال مستاجر آنوقت دیگر مستاجر بهیچوجه مکلف نیست بلوازمات و عوائد رسیدگی نماید و باین طرف و آن طرف مکلف شود اینها تماماً تکلیف موجر است که اظهار بدارد نه مستاجر آن مستاجر حکم اجتنبی را دارد او را مکلف کردن هیچ معنی ندارد و بنده این را صحیح نمیدانم.

رئیس - دیگر مخالفی نیست ماده دوم قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۰ - اسامی مالکین مستقلاتی که مطابق این قانون مالیات مستقلات آنها تعلق میگردد از طرف خود آنها و یا مستاجرین آن مستقلات باید بداره مالیه اظهار شود در صورت تخلف مسئول خواهند بود.

حاج عز الممالک - بنده نظریات فربیی در این قانون می بینم اما وضع این قانون برای این است که مالیات مستقلات هم گرفته شود یا اینکه فقط همین خوشحال باشیم که چند ماده روی کفله آمده است عمل را باید ملاحظه کرد همانطور که آقای مغرب توضیح دادند مالک نیست اداره مالیه

هم دستش باو نمیرسد پس چه باید بکند اظهاریه هم نمی آید مستاجر یا کسان آن مالک هم از آن مستقل فرایده میبرند نباید يك همچو ماده نوشته شود که او مسئول باشد و بداره مالیه اظهار بکند تا اداره مالیه آن مالیات را بگیرد؟
با اینکه مستاجر بگوید من مسئول نیستم و صورت هم ندهم تا آخر سال هم از آن مستقل باید ببرد و بالاخره اداره مالیه هم نتواند مالیات بگیرد آیا این صحیح است؟

حاج شیخ محمد حسن - بنده طلبی از کسی داشته باشم میتوانم بيك کسی دیگر بگویم چون آن آدم نیست نو باید از عهده آن تکالیف برائی؟ وضع قانون گذاری این است که قانون از روی يك اساس صحیحی گذارده شود کار کسی دیگر را ارجاع بکسی دیگر کردن خارج از قانونگذاری است من باب الاتفاق خیلی از اشخاص مکلف کرده اند یا طلبشان از بین رفته این مکلف باعث نمیشود که قانون را از اساس برادراریم و بطور دیگر تغییر بدهیم.

رئیس - ماده ۱۱ قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۱ دو موقعی که تا يك ماه پس از انتشار اعلان اداره مالیه از طرف مالک و یا مستاجر مستقلی اظهاریه عایدات مطابق ماده (۹) داده نشود ابتداء از طرف اداره مالیه کتبا اخطار و صورت عایدی خواسته خواهد شد پس از دو هفته از تاریخ اخطار اگر باو اظهار نامه داده نشود اداره مالیه رأی اقدام به میزبى و تعیین عایدات آن مستقل خواهد نمود.

رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟

حاج شیخ محمد حسن - آن اشکال ماده قبل در اینجا هم هست چون نوشته شده است (پس از انتشار اعلان اداره مالیه از طرف مالک و یا مستاجر مستقلی اظهاریه داده نشود) آن اشکال در همین جا هم هست **حاج عز الممالک** - يك عرض سابق کردم که حالا تکرار آن لازم نیست چیزی که میخواهم عرض کنم این است که اظهاریه مستاجر تعیینش اظهاریه موجر را هم میکند بعد از آنکه مستاجر اظهاریه را داد و مالک هم يك صورتی داده باشد در واقع این خودش يك تفتیشی است و برای اداره مالیه بکسری خواهد بود و اگر موجر نداده بود همین اظهاریه را که مستاجر میدهد کافی است.

حاج شیخ محمد حسن - اولاً اگر مستاجر خودش سر خود بخواهد این اظهاریه را بدهد این آدم فضول آقا است و اگر قانون او را مکلف بدارن این اظهاریه میکند تصور نمیکند يك اساسی داشته باشد بجهت اینکه يك کسی دیگر که مالک است مکلف بدارن مالیات است مستقلات مال اوست اظهاریه را باید او بدهد حالا اگر مستاجر سر خود يك اظهاریه بکند ربطی بقانون ندارد.

رئیس - ماده ۱۲ قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۲ - در موقع میزبى عایدات مستقلات باید قبلاً بمالك اخطار شود و مشارالیه حق خواهد داشت

که خود یا نماینده اش حضور بهم رساند و این میزبى بتوسط میزبى که از طرف اداره مالیه معین میشود بعمل خواهد آمد.

رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟ ماده ۱۳ قرائت میشود.

(باین مضمون قرائت شد)
ماده ۱۳ - نتیجه میزبى برای مالک و یا نماینده او فرستاده میشود. مشارالیه در صورت داشتن اعتراض در ظرف سی روز از تاریخ وصول باید اعتراضات خود را اظهار نماید و پس از گذشتن این مدت و نرسیدن اعتراض آن میزبى قطعی خواهد بود در حینی که نتیجه میزبى برای مالک فرستاده میشود مدلول این ماده و ماده ۱۴ باید بمشارالیه اعلام گردد.

رئیس - در ماده ۱۳ مخالفی هست؟

حاج شیخ حبیب الله - نتیجه اضافه این است که از برای اداره مالیه یا مالک یا نماینده مالک نتیجه میزبى فرستاده میشود حالا ملاحظه باید کرد که اگر نماینده نداشته باشد چه باید کرد خوب است در اینجا يك پیشنهادی بشود که تازمانی که نماینده ندارد اجرای این عمل و این میزبى بتأخیر بماند یعنی تازمانی که رفع آن مانع نشود.

رئیس - فقط بگفتن نیست باید پیشنهاد شود اصلاح خودتان را پیشنهاد کنید ماده ۱۴ قرائت شد.

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۴ در صورتیکه از طرف مالک به نتیجه میزبى اعتراضی باشد باید اعتراضات و دلایل آن با کمال وضوح اظهار شود پس از رسیدن این اعتراضات بدون تأخیر يك نفر میزبى از طرف اداره مالیه و يك نفر مخبر از طرف مالک و يك نفر از طرف حکومت محل معین شده بتجدید میزبى خواهند نمود و رأی آنها قطعی خواهد بود.

پورقه اعتراضیه دو قران تبر الصاق میشود **حاج شیخ حبیب الله** - پورقه هزینه دو قران تبر الصاق میشود جهت چیست وقتیکه يك مالیات گزارفی بکسی تعین میشود آنوقت بواسطه این دو قران نمیتواند این عرضحال را بکند مالیات هم بدهد و وقت هزینه دادن هم دو قران پول تبر بدهد.

این مسئله لازم نیست و باید دو قران حذف شود بيکی دیگر اینکه هر صورتیکه از برای مالک یا از برای نماینده او کسی نباشد یا بین میزبین اختلافی واقع شود آنوقت تکلیف چیست؟ خوب است آن صورت را هم معین بفرمایند چون می نویسد رأی آنها قطعی خواهد بود.

معتصم السلطنه - اینکه بیان فرمودند کسیکه اعتراضی میکند نباید دو قران تبر یا اعتراضیه او الصاق شود این اسباب این خواهد شد که همیشه آن مالک اعتراض واقع خواهد شد و البته مالک برای اینکه يك مدنی مالیات را عقب بیندازد این کار را خواهد کرد این دو قران برای این است که در روز اعتراضی تجدید نشود و اسباب این نشود که يك مدنی مالیات بتأخیر بماند اما آن قسمتی که میگویند (وقتیکه اختلاف بین میزبین واقع شد) اینجا میزبى نیست که اختلاف واقع شود میزبى از طرف وزارت مالیه فرستاده خواهد شد و میزبى خواهد کرد و مالک تا بیکاه حق اعتراض دارد وقتیکه این بیکاه را

لوت کرد آنوقت این میزبى قطعی خواهد بود و محتاج بتجدید کردن هم نیست **حاج شیخ حبیب الله** - میفرمایند مالک همیشه معترض خواهد بود اگر میخواهند رفع اختلاف بشود از اول که میزبى فرستاد يك میزبى هم قرار بدهند از طرف آن شخص برود که رفع آن اختلاف بشود و هر دو مصدق باشند دیگر اینکه میفرمایند يك میزبى است خير يك نفر نیست بلکه سه نفر میزبى است بيکی از طرف وزارت مالیه و بيکی از طرف حکومت و بيکی از طرف مالک و وای این سه نفر قطعی خواهد بود بنده عرض میکنم وقتیکه ما بین اینها اختلاف واقع شد کی رفع اختلاف آنها را خواهد کرد این مطلب را باید معلوم کرد که برای کدام يك را باید قبول کنند.

سردار معظم مخبر - بنده تصور میکنم اگر اینطور باشد آنوقت هیچ مالیاتی را نمیشود از روی این ترتیب وصول کرد زیرا این مالیاتها بمناسبت مختلفه عایدی دولت است و این نظر عین همان نظر است که در ضمن قانون تشکیلات مالیه عرض شد و اکثریت مجلس او را تصویب کرد این دو قرانی که در اینجا نوشته شده است پورقه اعتراضیه تبر الصاق میشود برای این است که هر کسی اعتراضی بیکجا نکند و قبلاً وقت بکند این اعتراض را که میخواهد بکند صحیح است یا غیره؟ ولی وقتیکه این طور نباشد شاید درست در این مطلب دقت میکنند ولی وقتیکه مجبور شود قبلاً پول از کسیه خسودش در آورده و تبر به حساباند دقت خواهد کرد که این اعتراض او که در يك مآخذی دارد یا ندارد والا اگر مجانی صرف باشد وقت قطعی برداشتن و روی کفله چیزی نوشتن باشد قطعاً باید بدانند که در هر کجا که میزبى میشود محتاج بتجدید میزبى خواهد شد و بتجدید میزبى هم لازم است تعیین بکنند میزبى از طرف اداره مالیه و بيك نفر میزبى از طرف حکومت و بيك نفر میزبى از طرف مالک خواهد بود این ۳ نفر میزبى باید جمع شوند و برودند در محل و ببینند عایدی این محل چه اندازه است و معلوم است این کار همه روز و چه اندازه است و علاوه بر اینکه با بنواسطه عایدات دولت زیاد میشود آن شخص اعتراض کننده هم وقتیکه يك پولی از کسبه خودش خارج کرده درست تعقیب می کند و اعتراض خودش را صحیحاً می نویسد و آن قسمتی که فرمودند اگر اختلاف بین میزبین حاصل شود چه میشود؟ باید بدانند این ۳ نفر میزبى را که معین کرده اند برای همین است که حد طاق باشد او اکثریت حاصل شود والا اگر این نظر را نداشتند میگفتند بيك نفر از طرف مالک و بيك نفر از طرف اداره مالیه برود و مخصوصاً برای اینکه بيك نظر صحیحی پیدا شود ۳ نفر نوشته که دیگر اختلاف نظری حاصل نشود و اگر مابین دو نفر اختلاف نظری حاصل شود و دیگری که نماینده حکومت یا مالک یا اداره مالیه است بهر طرف که رأی داد آن رأی قاطع باشد.

رئیس - ماده ۱۵ قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۵ - پرداخت مالیات مستقل و حقوق تبر و جرائی که در نظامنامه معین خواهد شد بعهده مالک

با کسی که حق انتفاع از آنرا دارد خواهد بود و در صورت استتکاف مالک از اداء مالیات اجاره مالمیه میتواند معادل مالیات را از مستاجر از بابت وجه اجاره دریافت نموده قبض مالیاتی بدهد در این صورت مالک مجبور است که قبوض رسمی اداره مالیه را در عوض مال الاجاره قبول نماید.

رئیس - در این ماده مخالفی هست یا نیست؟
اظهاری نشد
مخالفی نیست ماده ۱۶ قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۶ مالکین مستقلات که اسم آنان بسمت مالکیت در دفتر مالیه ثبت است مسئول مالیات هستند و در موقع فروش و انتقال همین آن ملک بمالك دیگر تا وقتیکه قبایله انتقالیه با اظهار نامه بداره مالیه ارائه نشود این مسئولیت بر مرتفع نخواهد شد همچنین در صورتیکه فروش و انتقال در شریع آخراً بعمل آمده باشد مسئول مالیات تا آخر سال مالک اولی خواهد بود.

رئیس - در ماده ۱۶ ایرادی هست؟
حاج شیخ حبیب الله - هر کس که منفعت میبرد مالیات را هم او باید بدهد منافع را هر کس که برد مالیات را هم بتقتضای فلسفه که در اینجا ذکر شد (که مالیات از منافع اخذ میشود) باید آن شخص بدهد منافع در صورتیکه فروش و انتقال در شش ماه آخر سال بعمل آمده باشد چرا باید نادیده مالیات با مالک اولی باشد؟ دلیلی ندارد هر زهان ملک درست هر کس هست باید مالیات را او بدهد وقتیکه کسی ملکی را خرید و مالک ملک باشد و انتفاع ببرد دلیل ندارد که دیگری مالیات آن ملک را بدهد **رئیس** - ماده ۱۷ قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۷ - مالیاتی که تا اکنون بعنوان مالیات مستقلات دریافت میشده است پس اجراء این قانون منسوخ و مطابق این قانون مالیات اخذ خواهد شد **رئیس** - در این ماده ایرادی هست؟

و بهیچوجه مفایرتی هم با آن تبصره ندارد **رئیس** - دیگر مخالفی نیست ماده ۱۸ قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۸ - نظامنامه ترتیب اجراء این قانون را وزیر مالیه تهیه نموده و بموجب فرمان همایونی بوقوع اجراء گذاشت میشود **رئیس** - در این ماده مخالفی نیست؟
(مخالفی نشد و ماده ۱۹ بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ۱۹ - این قانون دو ماه پس از تصویب مجلس و رسیدن بصدقه همایونی بوقوع اجراء گذارده خواهد شد

رئیس - آقای معذل الدوله در ماده ۱۹ اصلاحی پیشنهاد کرده اند (بمضمون ذیل خوانده شد)
در ماده ۱۹ چنین پیشنهاد میشود - مالیات مستقلات که برای مصارف نظمی قانونی وضع میشود در طهران و سایر ولایات که فعلاً نظمی مرتب دارند پس دوام از صحنه همایونی این قانون بوقوع اجراء گذاشته خواهد شد و در سایر ولایات هر وقت دولت مقتضی بداند دوام قبل اعلان نموده و حکم با اجرای آن خواهد نمود

رئیس - توضیحی دارید بفرمایید **معذل الدوله** - این پیشنهاد که با صدق بنده و آقای سلیمان میرزا است نظریه مصلحتی است که خاطر نمایندگان مسیوق است وضع این مالیات برای این است که برای مصارف نظمی هر ولایتی يك معنی باشد چون این قانون که مجلس آمد مقدمه آن خوانند، نشد که آن مقدمه حاکمی از این مسئله باشد پس اگر این ماده اینطور نوشته شود بهتر است نامعلوم باشد و بدانیم که این مجلس از برای این قبیل مسائل وضع شده است با بنواسطه اگر در این ماده اخیر که راجع با اجرای این قانون است این عبارت نوشته شود شامل آن مقصودی است که در نظر بوده و باعث این شده است که نمایندگان برای وضع این مالیات حاضر شده اند و میتوانم عرض کنم این مالیات یکی از بهترین مالیاتها خواهد بود که تأمین وجود نظمی تمام ولایات را میکند حالا اگر آقای مغرب قبول بفرمایند بکمیسیون ارجاع شود

هخبر - لازمند نظر قانونگذاری برای شخص بنده این اصلاح خارج از اشکال نیست ولی نظر باینکه در واقع مقصود از وضع این قانون تعیین تکلیفی است برای نظمیها و حالیه این نظر را نمیتوانم بطور قطع رد بکنم و بگویم لازم نیست در قانون نوشته شود لهذا خواهش میکنم این پیشنهاد را راجع بفرمایند بکمیسیون تا در آنجا مطالباتی بکنیم و آنرا بيك شکلی در بیاوریم

رئیس - پیشنهاد آقای طباطبائی هم تقریباً همینطور است خوانده میشود و بکمیسیون میرود (بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم که ماده ذیل بقانون مستقلات منضم شود:
ماده ۲۰ - در جاهاییکه نظمی بطرز جدید تشکیل شده باشد عایدی مالیات مستقلات آنجا بقدر لازم بصرف نظمی آنجا خواهد رسید

هخبر - اینرا هم چنانچه عرض کردم مراجعه بفرمایند بکمیسیون

ماده ۲۰ - در جاهاییکه نظمی بطرز جدید تشکیل شده باشد عایدی مالیات مستقلات آنجا بقدر لازم بصرف نظمی آنجا خواهد رسید

ماده ۲۰ - در جاهاییکه نظمی بطرز جدید تشکیل شده باشد عایدی مالیات مستقلات آنجا بقدر لازم بصرف نظمی آنجا خواهد رسید

ماده ۲۰ - در جاهاییکه نظمی بطرز جدید تشکیل شده باشد عایدی مالیات مستقلات آنجا بقدر لازم بصرف نظمی آنجا خواهد رسید

رئیس - شور اول قانون مستقالات ختم شد چون در دستور روز دیگر نداریم اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم کنیم و برای اینکه بتوانیم هر چه زودتر این قانون را بگذرانیم جلسه را بر روز سیم ماه شوال قرار میدهم چون میان شور اول و شور دوم باید پنج روز فاصله باشد

سردار سعید - بنده میخواستم تقاضا کنم چون رایورت راجع به اعتبارنامه آقای ادیب السلطنه از شنبه گذشته و تا سوم ماه طول میکشد اگر حاضر است قرائت شود

سردار معظم - بله اگر کارهای ما فقط جز قانون مستقالات چیز دیگری نمی بود بنده هم موافق بودم که جلسه تاخیر بماند ولی یک چیز لازمی در پیش است که آن بحران کابینه است و بنده تصور میکنم که موقع آن رسیده باشد که یک تصمیمات جدی در دفع بحران کابینه بکنیم

رئیس - این مسئله را بعد عرض خواهم کرد راجع به اعتبارنامه آقای ادیب السلطنه مخالفی نیست که جزء دستور است باشد

(گفته شد خیر)

(آقای سردار سعید مخبر شنبه دوم رایورت مزبور را بضمون ذیل قرائت نمودند)

شب یکشنبه ۲۶ رمضان جلسه شنبه دوم در تحت ریاست آقای آقا سید محمد رضای سادات دائر و رسیدگی به اعتبارنامه آقای ادیب السلطنه نماینده دولت منتهی چون صفحه شکایتی که در جلسه قبل مذاکره شده بود و از وزارت داخله که شنبه رسیده موضوع مذاکره و بحث کردید هر ضمه شکایت جمعی باسم کسبه رشت قرائت که انتخاب وکیل رشت بدست بندی و برخلاف قانون اقدام میشود و استدعا کرده بودند که وزارت داخله تغییر مسلك را با اینچنین نظارت مغایره فرمایند وزارت جلیله داخله هم نیز تلگرافی در تحت نمره ۱۱۳۹ بحکومت گیلان و طوالش کرده و چون موضوع شکایت شاکیان مطلق و مبهم بود سؤال نموده است که چگونه رسیده شده و آیا این اظهارات واقفیت داشته است یا خیر و معترضین چه سندی مستمسک باینگونه اظهاراتند حکومت گیلان تلگرافی در تحت نمره ۱۴۴۹ مغایره کرده و اظهار میدارد که آنچه وظیفه یک حکومت قانونی است رعایت شده علاوه بر مواظبتهای حکومت اعضای انجمنها از عناصر صالحه و بصیر انتخاب و تشکیل انجام آن از روی صحت و درستی بوده مثلاً راجع بعضی محفل اطراف که شاید سابقاً بواسطه بعضی توهمات اعلان نشده بود حکومت آنجا را هم صرف نظر کرده و نوشته است که بعضی قول که شکایت کنندگان نسبت بدهند که دسیسه شده قبول نخواهد شد بهتر این بود که ادله تالیی پیشنهاد میکردند و ضمناً علاوه میکنند که خوب بود شکایت کنندگان رعایت قانون نموده موافق نظامنامه شکایات خود را با اینچنین نظار مستقیماً یا بتوسط حکومت اظهار مینمادند تا متهم بعلوم رعایت قانون و یا متعرب بتحریر غیر نباشد بنا بر این چون ایراد قانونی نبود و حکومت نیز با این شرح و بسط تکذیب شکایت کنندگان و حکم بصحت انتخاب کرده بود شنبه با اتفاق آراء حاضرین کلاً (۱۱) نفر بودند نماینده آقای ادیب السلطنه را که با اکثریت ۴۴ رأی از ۶۷ رأی انتخاب شده اند تصدیق و صحت اورا رأی داده .

رئیس - در وکالت آقای ادیب السلطنه مخالفت و ایرادی نیست مخالفتی نشد رأی می گیریم بنمایندگی ایشان آقایانی که وکالت ایشان تصویب میکنند قیام نمایند .

عده کثیری قیام نمودند

رئیس - تصویب شد - یک فقره اعتبارنامه دیگر هم در شعبه اول مانده است که باید زودتر شعبه تشکیل و در آن اعتبارنامه رسیدگی شود .

سالمان میرزا - از برای روز سیم ماه شعبه را خیر کرده اند تشکیل خواهد شد بآن اعتبارنامه رسیدگی میشود .

رئیس - آقای مستوفی الممالک به بنده پیغام داده بودند که یک جزئی نظر در تشکیل کابینه دارند و آن نظر را گمان نمیکند تا دو سه روز دیگر انجام بگیرد و اینکه عرض کردم جلسه بماند برای سوم ماه مقصودم جلسه قانون گذاری بود البته اگر لازم شد جلسه بطور فوق العاده تشکیل کنیم اطلاع داده خواهد شد حالا با این ترتیب با جلسه سوم ماه مخالفی نیست ؟

گفته شد خیر

پس جلسه برای سوم ماه سه ساعت بظهر مانده خواهد بود .

معدل الدوله - برای تشریح حضورهای بونی لازم است که بسببونی انتخاب شود گمان میکنم جلسه دیگری تا روز هید نخواهد بود که این کمیسیون را انتخاب کنیم پس گمان میکنم اگر حالا انتخاب کنیم که تا روز هید فطر برای عرض تبریک شرفیاب شوند بهتر باشد .

رئیس - گمان میکنم دوازده نفر برای این هیئت کافی باشد .

گفته شد کافی است

دوازده نفر باید بحکم قرعه در هیئت رئیس معین فرمایند چون از هر حزبی در اینجا هست بعلاوه در نظامنامه هم قید نشده است که حتماً باید در مجلس تعیین شود و گمان میکنم این قبیل مطالب را در خارج مجلس معین کنیم بهتر باشد تعیین عده راجع بتصویب مجلس بود دوازده نفر تصویب فرمودند اگر مخالفی نباشد اشخاصش را در خارج مجلس در اطلاق تنفس معین میفرماید

(مجلس چهار ساعت و نیم اوشب گذشته ختم شد)

جلسه ۶۱
صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۲۷

مجلس تقریباً در ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس شب ۲۸ شهر رمضان قرائت شد .

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج معین التجار مدحت السلطنه - حاج سید رضا فیروز آبادی مریش و با اجازه - آقایان طباطبائی - ارباب کیخسرو .

رئیس - در صورت مجلس آقایان ملاحظاتی دارند یا خیر ؟ (اظهاری نشد) ملاحظاتی ندارند صورت مجلس تصویب شد قبل از اینکه داخل دستور شوم خاطر آقایان را مسبق میکنم که هیئت وزراء در شرف تکمیل است و انشاءالله روز ۴ شنبه برای

مرفی بیجلس نشریف خواهند آورد - دستور امروز شور دوم قانون مستقالات است رایورت ثانوی طبع و توزیع شده است باید رأی بگیریم در اینکه داخل شور ثانی بشویم یا خیر ولی پیشنهادی راجع بدستور آقای مدرس کرده اند چون حق تقدم دارد قرائت می شود .

(پیشنهاد مزبور بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم امروز مجلس ختم و در اطلاق تنفس بجهت بعضی مذاکرات مجلس منعقد شود

مدرس - دو این ایام جهت اینکه ماه مبارک بود بعضی مطالب در بونه اجمال مانده و ذهن آقایان مستحضر است که مطالب اساسی خیلی است خوبست آقایان در آنها مذاکراتی بفرمایند بنده انشاءالله الرحمن کابینه هم که تشکیل می باید مقدماتش حاضر شده باشد انشاءالله بعضی اقدامات اساسی شود از این جهت تقاضا کردم اگر صلاح میدانند مجلس امروز ختم شود و در اطلاق تنفس آقای رئیس مجلس تشکیل بدهند و در آنجا مشغول مذاکرات اساسی بشویم حالا دیگر موقوف بنظر مجلس است .

سالمان میرزا - بنده گمان میکنم در صورتیکه هفته دو روز بیشتر مجلس نداریم خوبست این دو روز را مشغول کارهای رسمی بشویم و قانون مستقالات را که شاید عایدانش مخصوص بنظمیه شده بگذرانیم در اینصورت هیچ مانعی نخواهد بود که امروز مجلس داشته باشیم و اندازه ساعت معین وقتنازرا صرف قانون بکنیم از برای فرمایشات و مذاکرات مهی که آقای مدرس در نظر دارند ممکن است عصر جلسه خصوصی منعقد شود و عصر هم وقت منتهی است از ساعت ۳ بعد از ظهر ممکن است بنشینیم تا هر وقت شب مذاکره شود و چون مطالب مهم است لابد مذاکرات هم زیاد خواهد شد حالا دو ساعت بظهر داریم تا جلسه را ختم کنیم و برویم آن اطلاق بنشینیم وقت مذاکره نخواهد ماند بظهر هم که باید برویم پس وقت منتهی بعد از ظهر است که بیاییم تا ۳ ساعت از شب گذشته بنشینیم و صحبت کنیم و شش هفت ساعت آقای مدرس و سایر آقایان مطالب خودشانرا میتوانند اظهار نمایند و مذاکره شود .

رئیس - رأی میگیریم در این باب آقایانی که پیشنهاد آقای مدرس را تصویب میفرمایند قیام نمایند .

عده قابلی قیام نمودند

رئیس - تصویب نشد رأی میگیریم داخل شور ثانی قانون مستقالات بشویم یا خیر .

سردار معظم - قسمت ثانی مانده و بمقیده بنده باید در آن مذاکره شود چون بعضی آقایان که رأی ندادند نظر پیشنهاد آقای سلیمان میرزا بود و تکلیف جلسه خصوصی معین نشد .

رئیس - این يك چیزی نیست که در مجلس رأی گرفته شود در خارج باید معین شود رأی میگیریم برای داخل شدن در شور ثانی قانون مستقالات آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند و ماده اول بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱ - برای کابینه مستقالات از قبیل دکاکین منازمه ها خانه های اجاره انبارها کاروانسراها و مهمان خانه ها نمابشگاه ها بیخچال ها قهوه خانه ها میدانها

و غیره در شهرها و قصبات عده مالیات مستقالات برقرار میشود .

حاج شیخ اسدالله - این جمله در شهرها و قصبات عده مالیات مستقالات است و موقوف بیک شرحی است که مراد از قصبات عده چه چیز است اگر همین حالت اجمال باقی باشد ممکن است در تمام دهات شروع بعملیات کنند و بگویند قصبه عده است و قصبه هم که علامت مخصوص ندارد و بنابراین بنده تصور می کنم چون مالیات برای نظمی تخصیص داده می شود نوشته شده در قصباتی که نظمه در آنجا تشکیل شده یا تشکیل میشود برقرار خواهد شد والا اگر بطور مطلق نوشته شود متعرب دهات خواهند شد و می گویند قصبه است علامت مخصوص هم که ندارد و حل این مطلب خیلی مشکل میشود

رئیس - دو فقره اصلاح از طرف آقای زنجانی و سلطان العلماء رسیده است قرائت می شود بعد مذاکره میکنم

(بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای زنجانی

ماده اول - قانون مستقالات چنین نوشته شود از کلیه مستقالات از قبیل خانه ها و دکاکین و منازمه ها و انبارها و کاروانسراها و مهمانخانه ها و نمابشگاهها و بیخچالها و قهوه خانه ها و قنوت مستقله که تابع ملکیت نیست و میدان در شهرها و قصبات عده مالیاتی که بقصر لزوم اولاً بصرف قانونی محل خواهد رسید برقرار می شود مقصود از قصبات عده این است که کمتر از ۲۰ بایدکان نداشته باشد

پیشنهاد سلطان العلماء

بنده پیشنهاد مینمایم که مالیات خانه ها را از مواد الغنا نمایند

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - چون بنده چندین فقره در ماده اول نظر داشتم لهذا همه را در این پیشنهاد درج کردم اول مسئله خانه ها بود که در شور اول خیلی مذاکرات شد بعضی اعتبار اینکه این مالیات مالیات بر عایدات است رد کردند بعضی اعتبار اینکه اشکال در اجرای این قانون پیدا میشود رد کردند بعضی هم تصویب کردند بهرحال بنده حالا اساساً عرض میکنم که مالیات در دنیا بدو قسم است یا بر اراضی است یا بر عایدات هنوز هیچ دولتی نتوانسته است موفق شود که مالیات بر عایدات به بند و الا همه عقلاً تصدیق کرده اند که مالیات بر روی عایدات عادلترین تمام چیزها است اما نتوانسته اند این را اجرا کنند بجهت اینکه بعضی عایدات را میتوان تعیین کرد مثل عایدات دکاکین و غیره اما کسانیکه پول دارند و بصرف میدهند یا کسانیکه تجارت دارند کارخانجات و دخلهای بزرگ دارند عایدات آنها را نمیتواند روی کاغذ آورد که از آن رو مالیات بگیرند تدبیراتی برای این کرده اند ولی هنوز موفق نشده اند اما مالیات اراضی در همه جا جریان پیدا کرده است و باز در آنهم عایدات ملحوظ شده است این زمین یا این خانه یا دکان را با هم فرق داده اند مالیات این ده کمتر از آن ده است و به اراضی بنظر عایدات یا بنظر فوائد مالیات بسته اند و در هیچ مملکتی نیست که خانه ها مالیات نداشته باشند فلسفه مالیات این است که دولت حفظ امنیت را بکند اموال مردم

را حفظ میکنند در واقع اجیر است و اجیر باید اجرت بگیرد چون خانه مرا حفظ کرده باید اجرت بگیرد خانه اجاره او را حفظ کرده باید اجرت بدهد تمام اراضی باید مالیات داشته باشد و در تمام ملل برای خانه ها مالیات است بلی من هم عرض میکنم که قانون گذار باید اجرائی آن را هم در نظر داشته باشد و شاید اجرای این کلیتاً اشکال داشته باشد ولیکن چون در شهرها و قصبات عده است و اهالی شهرها و قصبات عده قانون تمدن نزدیکترند چون می بینند که این مالیات از خانه های آنها گرفته میشود و از برای نظمی و امنیت آنها صرف میشود گمان میکنم خودشان تصویب کنند و اطاعت از قانون کنند و سهولت جریان پیدا کنند حالا اگر اشکالی دارد خوبست کلاماً بفرمایند تا بنده هم از این مطلب هود کنم و الا هات و سبب دیگر را قبول نمیکند که بگویند خانه ها مالکیتشان پریشانند غیر اینطور نیست خانه ده تومانی را حفظ میکنند من از ده تومان ده شاهی میدهم خانه صد هزار تومانی او را حفظ میکنند او از صد هزار تومان هزار تومان میدهد خانه ده هزار تومانی دیگری را حفظ میکنند از ده هزار تومان فلاقت میدهد نه بر من تمهیل است نسبت بحال خودم نه باو نسبت بحال خودش از من بقدر او نمیگیرند بقدر دارائی خود ده شاهی بر من تمهیل نیست و هزار تومان هم بدیگری تمهیل نیست و هزار تومان هم بدیگری تمهیل نیست پس این اشکال نیست همانطوریکه عرض کردم اشکال در اجرا است اگر توضیح چنان فرمودند که بنده را متقاعد فرمودند بنده زعم ید میکنم والا بنظر بنده باید رد شود يك چیز دیگری هم بنده زیاد کرده ام و آن قنوت مستقله است چون غالباً قنوت داملاک است و تابع ملک است لهذا مالیات دارد اما در شهرها قنات هائی احداث شده است که مخصوصاً برای اجاره دادن است که مردم پول میدهند آب میخرند و اراضی را مشروب میکنند این چرا مالیات ندهد ؟ و حال آنکه این قنوت خیلی عایدات دارد و مالیات زیاد هم میتواند بدهد و اغلب قصبات از آن قنوت مشروب میشوند زیاد هم اجاره میکنند و زیاد هم دخل دارد یکی هم کارخانجات است که بنده اضافه کرده ام و دیگر اینکه مقدمتاً اشاره کردم که این مالیات بصرف نظمی خواهد رسید و خواستم این مطلب را که در آخر قانون میخواستند اضافه کنند در اول قانون نوشته شود که بدانند این مالیات نظمی بضمون وضع شده است یکی هم قصبات بود که آقای حاج شیخ اسد الله اشکال کردند مجمل است راست است این يك چیزی است که محل اشکال خواهد بود فردا دولت بگوید اینها قصبات عده است و آنها بگویند قصبات عده نیست بنده يك میزانی بنظرم آمده راجائی که دیدم بیست دکان مستقل دارد سایر چیزها هم از روی آن معین میشود يك همچو جانی را قصبه قرار میدهم که مالیات بدهد و هر جا کمتر از آن است مالیات ندهد این بنظر من موافق تر آمد حالا یا بالاتر یا پائین تر در هر صورت قطعاً يك چیزی باید معین کرد حالا اگر آقایان نظری دارند بفرمایند .

حاج شیخ محمد حسن گروسی - عرض میشود لازم شد که داخل شویم و بیک قدری اسباب تصدیق آقایان شده باشیم چون نباید داخل اصل

اساس مطلب شد اینکه هیئت اجتهادیه مستاجند با داوره کردن امور و هیئت زندگانی خودشان يك شبهه است از امور زندگانی اشخاص و افراد البته چند از اینکه کار را بدست جمعی دادند و اداره امور را بدست آنها تفویض کردند سایرین مکلفند بر طبق تمهیدشان بآن جمعی که اداره کردن مملکت بایشان تفویض شده اجرت بدهند بالذات این تکلیف و تعهد باشخص وارد است و ابداً با هیان اموال ربطی ندارد و بعد از آنکه بنده کاری را بکسی رجوع کردم از شخص مکلف است کار مرا انجام بدهد و من هم مکلفم بجهت حوائجیه او و انجام بدهم و این ترتیب اولاً وبالذات بین اشخاص و نفوس است بعد از اینکه اینطور شد و بنده يك اموری را يك جمعی دادم که اقدام بکنند لابد باید قرار بدهم حوائج آنها را اشیا یک عده بنده برای هائی و برای معیشت شخصی رفع کنیم لهذا ثانیاً وبالغرض يك مالیاتی برای رفع آن حوائج قراردادده میشود و چون آن حوائج مستمر و مستدام است و لازم است که همیشه در جریان باشد این مالیات را باید در اموری قرارداد که از یرتو تعهد اشخاص است نه خود اموال که تعلق بمال بگیرد و بر حسب اشخاص بر آنچه که موه و منجه است و معیشت شخص خودش را فراهم میآورد تعلق میگیرد يك کسی معیشتش از زراعت است و از زراعت مایحتاج خود را عمل میآورد از همان زراعت باید يك حصه بدولت بدهد که امور اجتهادیه را انجام میدهد يك کسی است که خانه کرایه میدهد چون آنرا برای عایدی خودش قراردادده است نه از برای انتفاع شخصی و از آن عایدی امور معیشت و اهل و عیال را انجام میدهد باید يك قسمت آنرا بدولت بدهد لهذا عرض میکنم که برخانه ها بر سبیل اطلاق صحیح نیست مالیات به بنده بجهت اینکه بنده تصور میکنم مستقل را با قاف نوشتن صحیح نیست اگر چه معروف شده است ولی باید با قاف نوشته شود چون مراد از مستقالات اشیا ثابت برای قله است و غله مراد از دخل است اول تعریف مستقالات را بکنیم و بیینیم خانه مسکونی را میگیرند یا نه اگر خانه های مسکونی را میگیرند حرفی نداریم اما اگر نگرقت و خروج موضوعی داشت و چیزی نبود که موه است از برای انتفاع شخصی نه برای عایدی و چشم پوشیده است از اینکه چهارشاهی از آنجا گیر او بیاید و باید زن و بچه اش در آنجا سکنی کنند دیگر چه جادارد که باو بر آنها تمهیل مالیات بکنیم پس باید تعریف را طوری بکنیم که آنوقت در جزئیات او گیر نکنیم برعکس باقها در جزوه مستقالات شمرده میشود در صورتیکه در اینجا اسم نبرده باقانی است مثل باغ مو و آنها هم جزو مستقالات شمرده میشود و ابداً ذکری از آنها نشده است بعضی اشخاص هستند که باغچه از برای زن و بچه شان دارند و ابداً نظر بیایدی ندارند اما باقانی هست که مبلغ کثیری مو دارند و مدار زندگانی مالکین از یرتو آنها است و ذکری از آنها نشده است پس بنا بر این ابتداء بپردازیم بتعریف مستقل بیینیم مستقل چیست در جزئیات او گیر نکنیم تعریف مستقل بهمین حوری که عرض کردم هیارت از اشیا ثابت متغذبه از برای غله است دولت بمعنی دخل است یعنی اشیا متغذبه برای دخل که يك جنبه ثابت و دوامی داشته باشد

و اینکه فرمودند نتوانسته اند بر هایدی مطلق به بنده هایدی مطلق اصلاً غلط است چون بطل رفته اند موفق نشده اند هایدی مطلق را بایده نظر گرفت که آن اشیا متخذه هستند کونوا معتمد بر ای اینکه یک عایدی معمولی بیاورند مالیات را باو قرار دادند بمطلق عایدی بمطلق هایدی میشود قرار داد این است که بنده عرض میکنم تنزیل پول یا فلان را نمیشود مدار قرار داد تا اینکه بگوئیم چرا موفق نشدند و شاید ما موفق شویم ما هم موفق نخواهیم شد همچنانکه در امور زندگی کسی هست که از مستقل (یعنی آنچه که متخذ است از برای عایدی) زندگانی خودش را انجام میدهد باید یک قسمت از آنرا برای انجام امور اجتماعیه بدولت بدهد در این صورت خانه های مسکونی که برای انتفاع است نه از برای دخل موضوعاً خارج است و نمیشود خانه ها را هلی سبیل الا طلاق گفت موضوع از برای مالیاتند لهذا نوشته اند خانه هائیکه ممتد از برای اجاره و صحیح هم نوشته اند حتی خانه هائیکه ندرتاً با اجاره میروند بکرات عرض کرده ام داده یک مدارالسنکائی بر اوصاف میاید و لوانیکه قبلا و ندرتاً با اجاره برود باز هم خارج است لهذا به از اینکه ما میزان تعریف را این طور گرفتیم آنوقت در جزئیات گیر نمیکند و خانه های مسکونی با امره خارج میشود و چیز هائیکه ممتد برای اجاره مثل خانه و دکاکین و مضاره ها و کاروانسرا ها باقی میماند دیگر اینکه خوب است آقای مخبر در این خصوص توضیح بفرمایند لفظ (و غیره) برای چه است عرض کردم مستندات صومبت دارد دامنه اش خیلی خیلی وسیع است حتی باغاتی که از دخل آنها زندگانی انجام میگردد کلمه مستقلات آنها را هم میگیرد آیا این عا خارج است یا اینکه بنایه لفظ (و غیره) داخل است اگر داخل است یک عیب دارد که اینجا ذکر نشده چون باغات هر دو قسم است بعضی باغات فقط برای انتفاع شخصی است نه نظر بهائیدی است اگر نظر باین است لفظ مستقلات آن قسمت را هم میگیرد خوب است اقلاً در ضمن احکام متمرض او هم بشوند چنانچه عرض کردم این باغات بر دو قسم است بعضی از باغات ممدات از برای عایدی و معیشت مالک از آن است و بعضی باغچه هاست که صرف از برای سکنی است نه اینکه عایدی منظور نظر باشد آنها که برای عایدی است باید داخل شود و آنهاش را که برای مصرف انتفاع شخصی است باید استثناء کرد و از این جهت لازم است آقای مخبر این توضیح را بدهند

سلطان العلماء - این پیشنهادیکه بنده عرض کرده ام راجع به خانه های اجاره است و عرض میکنم خانه کثرتاً در ایران جزو منابع ثروت نیست مثل اینکه در طهران بکثرت نیست که خانه را مستقلاً برای اینکه عایدی ببرد بسازد اگر ملاحظه بفرمایند بسا اتفاق میماند که یک خانه هزار تومان یا کثرتاً بیشتر خریداری میشود و اگر اتفاق بیفتد سالی صد تومان یا دو صد تومان هم اجاره داده شود بقدر مخارج لازمه او نمیشود و نقطه نظر بنده این بود که وضع مالیات نوری باشد که طرفداری از فقراء و ضعفاء ملت بشود و خانه اجاره در ایران غالباً برای فقراء و ضعفاء است اشخاصیکه دارند هستند کمتر محتاج باین مسئله می باشند و این نکته که بعضی از آقایان

فرمودند در مالک خار چه خانه جزو منابع ثروت است و اغلب کمپانیها از خانه منفعت و بهره میبرند صحیح است ولی چون در ایران خانه از منابع ثروت محسوب نمیشود لهذا این پیشنهاد را کردم و بعلاوه دولت باید مالیات را بروی یک عایدی ثابت مستقیمی وضع کند و خانه خیلی اتفاق می افتد که محل حاجت صاحبش واقع می شود و گاهی هم از این موضوع خارج میشود و اجاره میدهد مسلم است در ایران مردم خانه را فقط برای اجاره دادن نمی سازند و از برای این کار مهیا نمیکند بلکه یا برای پریشانی و استیصال صاحب خانه یا بواسطه مسافرت او یا یکی از این جهات اجاره داده میشود این بود که توضیحاً عرض کردم همچنانکه کمیسیون اصلا مالیات را صلاح ندیده اند از این جزئی عایدی هم که در طهران و در بعضی نقاط دیگر هست دولت صرف نظر بفرمایند در این مسئله که بعضی از آقایان فرمودند این مالیات برای نظایه است و هر کس در خانه می نشیند حفظ لازم دارد بنده عرض می کنم صحیح است حفظ لازم دارد ولی خانه حفظ لازم ندارد بلکه صاحب خانه حفظ لازم دارد و این صاحب خانه اگر مالک است که از ملکش مالیات میدهد از گنهمش گنهم میدهد از خوش جویمهده از تر با کش مالیات بدهد از لافش مالیات نوازل میدهد و اگر کاسبت که از کسبش مالیات میدهد پس مناه علیه خانه در ایران از منابع ثروت بشمار نمیرود و اساس قوانین مملکتی هم برای رعایت حال فقراء و ضعفا بوسله کار خانات و غیره آن وسائل هم که امروز در ایران مهیا نیست پس خوب است دولت از این جزئی منفعت خانه های اجاره که به مدار وضع مخارج اداری و تقبش این خانه ها که اجاره رفته و با نرفته عاید اومیشود صرف نظر فرماید و چنانچه کمیسیون صلاح بدانند این مطلب را از زره مواد ساقط کنند

رئیس - پیشنهاد را باید قبل از شور دوم بفرمایند

مخبر - دو فقره پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای زنجانی و دیگری از طرف آقای بقیده بنده چنانچه در شور اول هم عرض کردم تصور میکنم نشود این پیشنهاد را تأیید کرد بجهت اینکه تمام این پیشنهاد ها در شور اول وقایع توجه نشد و رد شد باز هم مجبورم بطور خلاصه عرض خود را تکرار کنم اولاً پیشنهاد آقای زنجانی دارای چند مطلب مختلف است که خودشان مشروحاً بیان فرمودند بقیه بنده خوب است این مطلب را با هم مخلوط نفرمایند زیرا بعضی از این مطالب در این لایحه درج شده و بعضی دیگر هم اگر لازم باشد بجای خودش که بمجلس آمده ذکر خواهد شد یکی راجع به نظایه است که بقیه بنده مجلس اینجا نیست و نباید در اینجا ذکر شود و یکی تعریف قضات است و دیگری داخل کردن خانه های مستقلاً چنانچه در شور اول عرض کردم این لایحه قانونی باید یک مبنائی داشته باشد یک مبنائی آن همان نوری که و حید المملک در شور اول مفصلاً فرمودند مبنائی است که در اغلب ممالک معمول است و هیچ نظر بهائیات ندارد و از خود مستقلات مالیات میگیرند و یکی دیگر بهمان چیزی است که ما بر حسب تقاضای مملکتی در کمیسیون قوانین مالیه مبنای این قانون قرار داده ایم و آن اخذ یک قسمت از عایدی است که گفته ایم هر چه

از املاک مستقل هاید صاحب آن میشود بکسبت از آنرا بعنوان مالیات بدولت بدهد وقتی که این مسئله را اساسی قرار دادیم آنوقت این دو پیشنهاد هر دو قهراً رد میشود از یکطرف پیشنهاد آقای در باب خانه های مسکونی رد میشود بجهت اینکه خانه های مسکونی عایدی ندارد تا بشود یک قسمتی از آن را بعنوان مالیات گرفت و پیشنهاد دیگر هم از نقطه نظر مخالف رد میشود بجهت اینکه خانه هاییکه با جاره میروند عایدی معینی ندارند وجهت ندارد ما از عایدی یک دکان مالیات بگیریم و از عایدی یک خانه که با جاره میروند مالیات نگیریم در صورتیکه هر دو طایعات و ما گفته ایم از عایدی مستقل باید قسمتی هاید دولت شود اما جهت اینکه باید خانه های مسکونی معاف باشند چه چیز است قطع نظر از مخالفتی که این مسئله با اساس این قانون دارد و جهت دیگر هم هست که ما را وادار میکند خانه های مسکونی را از مالیات معاف نداریم یکی این است که اگر خانه های مسکونی را معاف بکنیم تحصیل بر فقرا خواهد شد اگر چه آقای زنجانی فرمودند این مطلب اهمیت ندارد ولی بنظر بنده اهمیت زیاد دارد و خیلی بر فقرا تحصیل خواهد شد زیرا اگر نظری بحال اهالی این مملکت بینه ازیم می بینیم که در ایران هنوز مردم بسکونت در خانه های اجاره عادت نکرده اند و اهل این مملکت اشخاص خیلی خیلی بی بضاعتی هستند ولی خانه های شخصی دارند و داشتن خانه شخصی در ایران هنوز علامت دارائی نیست و اگر مراجعه کنیم خواهیم دید که اکثر مردم بی بضاعت در خانه های خودشان منزل دارند و در این صورت اسکر به خواهیم بخانه های مسکونی آنها یک مالیاتی بعنوان مالیات حق السکنه تحصیل کنیم دور از عدالت خواهد بود یک جهت دیگر رعایت اجرای این قانون است چنانچه سابق عرض کرده ام بازم عرض میکنم قانون رانمکن است از دو نقطه نظر نوشت یکی فقط نوشتن قانون است که بعدها هر وقت ممکن شد اجرا شود و یک نقطه نظر دیگر این است که باید قانون حتماً در مومئیکه مقتضیات اجرای آن موجود است نوشته شود و بنده طرفدار شق دوم می هستم زیرا با بقیه اولی احترام قانون از میان می رود و قانون در نظر مردم بی وقر میشود البته وقتیکه مردم دیدند قانون نوشته میشود و مثل کتابها در کتابخانه ها ضبط میشود دیگر هیچ وجه احترام قانون را ملحوظ نمیدارند پس مقنن هر وقت قانون مندرسه باید مراعات مقتضیات اجرای آنرا بنماید که هر وقت قانون از مقام مقننه گذشت حتماً اجراء شود و بعد از اینکه بنا شد این نظروا داشته باشیم بنده از خود زنجانی سؤال میکنم آیا ایشان اطمینان میدهند و میتوانند بفرمایند که اگر برای خانه های مسکونی یک مالیاتی بر قرار شود این قانون در تمام ایران بموقع اجرا گذارده خواهد شد بنده عرض میکنم غیر نخواهد شد از این نقطه نظر که نگاه کنیم می بینیم لزوم ندارد این مالیات را وضع کنیم زیرا خودمان قبلاً میدانیم اجرا نخواهد شد بقیه بنده در وضع قانون مقصوداً در مالیات گذاری مقنن باید خیلی با احتیاط باشد پس خوب است ما قدمهای اول و دوم را برداریم و این قسمتی را که در این لایحه پیش بینی شده است بموقع اجرا بگذاریم بعد از آنکه از اجرای آن مطمئن شدیم مردم هم

عادت کردند آنوقت ممکن است مقامات مقننه تجدید نظری در آن بکنند و قسمت دیگر بر آن اضافه نمایند والا اگر از اول بخواهیم این کار را بکنیم بموقع اجرا گذارده نخواهد شد و بالاخره دو پیشنهاد آقای زنجانی با آن قسمتی که بنده موافق هستم و مخالفتی ندارم یکی محل کار خانات است (نه خود کارخانه) بملت اینکه عرض کردم شاید با مالیات سنگینی اشتباه شود و باید این را در نظر داشت که مالیاتی برای آنها بر قرار شود با تعریف قضات هم چندان مخالفتی ندارم منتهمی تعیین قضات بدانشین بیست دکان گمان نمیکند کافی باشد و ممکن است بگوئیم قضات همه که صورتش ضمیمه این قانون میشود اگر یک همچو کاری بکنیم بقیه بنده بهتر است در هر صورت با تعریف قضات بنده مخالفتی ندارم اما باغات را که آقا از بنده توضیح خواستند عرض میکنم در اکثر جاها باغات در ضمن املاک مالیات معینی دارند و گرفته می شود دیگر محتاج باین نیست که در این قانون بگنجانیم یا پیشنهاد آقای سلطان العلماء هم نمیتوانم موافقت کنم بجهت اینکه مخالف با اساس این قانون است یعنی یک قسمتی از املاک مستقل عایدی دار معاف از مالیات مینمایند و املاک دیگر را محکوم بدان مالیات میکنند و مساوات در مالیات گذاری از میان می رود لهذا با هر دو اینها موافقت ندارم

حاج شیخ محمد حسن گروسی - آقا مخبر توضیح فرمودند که باغات مالیات دارد بنده عرض میکنم که باغات و آن چیزهایی که در اینجا ذکر شده است از قبیل کاروانسرا و مهمانخانه ها و نمائشگاهها اگر سابق هم مالیات داشته بترتیب طرز قانونی نبود و لذا در آخر این قانون نوشته شده است که آنچه سابق بعنوان مالیات مستقلات میدادند بعد از اجرای این قانون منسوخ و لغو میشود حالا نمیدانم مالیات باغات بطرز قانونی است یا غیر قانونی اگر بطرز قانونی است با این قانون که وضع میکنیم حرفی نداریم و اگر بطرز غیر قانونی است چون آن اموری را که مالیات آنها طرز غیر قانونی داشته است حالا الفاه کرده و این طرز قانونی را در آن جریان داده ایم پس باید در باغات هم این معامله بشود

مخبر - تصور میکنم در اینجا یک مختصر اشتباهی شده است اینکه ما الفاه کردیم و گفتیم مالیات هائی که از برای املاک مستقل بوده است بعد از وضع این قانون النامی شود برای این بود که خیلی فریب میشد اگر ما بکنیم یک دکانی که در فلان شهر مالیات مستقل میدهد جزو املاک مستقل است مطابق این قانون هر یک مالیاتی بدهد پس قهراً مجبور بودیم که بگوئیم تمام دکاکین در شهرها و قضات همه بعد از نوشتن وضع این قانون بیک میزان مالیات بدهند ولی در باغات ممکن نیست اینکار بشود بجهت اینکه قسمت اعظم باغات در شهرها ر قضات همه نیست و باغاتی که در خارج شهر هاست بیشتر مالیات میدهند و اگر ما آن مالیات را هم در تحت این قانون می آوریم از مدنظر مالیات گذاری چیزی برمی ماند و موجب اختلاف مالیات باغات میشود آنوقت باغاتی که در دهات بود یک جور مالیات میداد و باغاتی که در شهرها واقع است بایست صدی چهار بدهد و از

این نقطه نظر باغات را نمیتوان در این لایحه ذکر کرد

رئیس - آقایان مذاکرات را کالی میدانند یا خیر ؟ (گفته شد کافی است) پیشنهاد ها قرائت میشود

(علاوه بر پیشنهاد آقایان زنجانی و سلطان العلماء چند فقره پیشنهاد دیگر بمضامین ذیل قرائت شد)

(پیشنهاد آقای میرزا هاشم) بنده پیشنهاد میکنم که در خصوص قضات نوشته شود قضاتی که مالیات معمولی جزو بودجه از سابق برای آنها وضع نشده باشد

(پیشنهاد آقای سردار سعید) بنده پیشنهاد میکنم که تبصره برای قضات نوشته شده باین طریق

مقصود از قضات آبادیهائی هستند که دارای هزار خانوار اقلاً باشند

(پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله) بنده پیشنهاد مینمایم نمایندگان و مبدانها و قضات و لفظ (غیره) از ماده حذف شود

رئیس - آقای آقا شیخ ابراهیم و سلطان العلماء که توضیحات خودشان را داده اند آقای آقا میرزا هاشم توضیحی دارید بفرمایند ؟

آقای میرزا هاشم این مالیات تقریباً بیک فضا و مساحتی تعلق میگیرد که تا بحال مالیاتی بر آن نگرفته باشد مستقلات شهری همینطور است و کسی مستقلات جاهائی که نقداً و جنساً یک مالیاتی بدولت میدهند دیگر چرا باید از آن قاعده و عایدی که مالک میبرد مالیات بدهد جاهائی که یک فضا و مساحتی داشته باشد و یک مالیاتی را نسبت بآن فضا و مساحت منظور داشته باشند صحیح است و لسی در فضا یعنی دهائیکه یک مالیاتی اقلاً جنسا میدهند صحیح نیست

سردار سعید - در باب قضات بنظر بنده آن طود که آقای زنجانی فرمودند گویا صحیح نباشد بواسطه اینکه ممکن است در یک دهی که سر راه باشد بیست یا سی باب دکان برای عاشرین ساخته شده باشد و از آن طرف ممکن است یک قصبه که دارای هزار خانوار است بواسطه اینکه نزدیک شهر است و لوازم خودشان را از شهر میگیرند دکان نداشته باشد آنوقت باید از این مالیات معاف باشد باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم و اینکه آقای مخبر فرمودند موافق صورتیکه منضم باین قانون خواهد شد ممکن است تعیین قضات بشود ولی بنده گمان نمیکند باین زودی موفق بانتهاب بشویم بواسطه اینکه مدتی وقت لازم دارد تا آن صورت بیرون و حاضر شود بعلاوه اوضاع قضات هم متصل تغییر و تبدیل میکنند ممکن است یک قصبه آباد تر شود و یک قصبه خراب تر شود و با یکی از بین برود و اسباب زحمت قون العاده خواهد شد خوب است معین شود یک قصبه دارای هزار خانوار است و ممکن است اسم قصبه را بر آن اطلاق کرد مالیات بدهد

حاج عز الممالک - در اینجا راجع به تعریف قضات دو فقره پیشنهاد شده که بنده با هر دو مخالف هستم یکی پیشنهاد آقای آقا میرزا هاشم است که اینطور مرفوم فرمودند قضاتی که تا بحال مالیات

معمولی جزو بودجه نداشته اند باید این مالیات را بدهند بنظر بنده این پیشنهاد اصلاً مناسب با این قانون نیست بجهت اینکه اگر مقصود ما این بود که این مالیات را بدکاکین وضع کنیم که تا بحال مالیات نداشته است پس مبیایست بنویسم در شهرها هم دکان هائی که تا بحال مالیات میدادند مالیات مستقلات را ندهند و این مالیات بر دکانهائی که تا بحال مالیات مستقلات را نیداده اند وضع شود در صورتیکه این ترتیب بکلی بر خلاف این لایحه است در این لایحه تصریح میکنند که این مالیات جدید بطور عمومی وضع گرفته میشود و مالیاتی که تا بحال می دادند منسوخ خواهد شد بنابراین این پیشنهادیکه فرمودند موضوعی ندارد در باب تعریف قضات هم که آقای زنجانی و آقای سردار سعید و مخبر محترم هر کدام بیک طوری بیان فرمودند البته باید در آنجا تعریف قضات بشود که چه اندازه قصبه باید بزرگ باشد تا مالیات مستقلات را بدهد ابتدا موضوعی ندارد بجهت اینکه در قضات از باب دکاکین بدولت نمی داند اند با مالیات سنگینی میدادند مثل اینکه از صبای یا قبالی یا کسب دیگر که در قصبه بود مالیاتی میدادند یا از ملک مزروعی و باقعات بود و همینطور که آقای مخبر فرمودند بنده توضیح میدهم که باغات مالیات دارد و مالیات آن از زوری اراضی است یعنی چرینی معین میکنند و از زوری آن مالیات میدهند یا مالیات ملکی است که از روی زراعت قضات اینطور مالیات میدادند و تا بحال مالیات مستقلات نمی دادند پس هر دکاکینی که در هر قصبه هست و از آن اجاره عاید مالککش میشود بکسبت عایدی خودش را بعنوان مالیات مستقلات بدولت خواهد داد و اگر قصبه هم بود که باین عنوان مالیاتی بدولت میداده است منسوخ خواهد شد پس بنده تصور میکنم این پیشنهاد در اینجا موضوعی نداشته باشد و راجع به پیشنهاد آقای سردار سعید بنده گمان میکنم هزار خانوار شاید زیاد باشد و شاید هم بعضی آقایان بفرمایند کم است پس باید در این باب فکری کرد و گمان میکنم که همان فکر مخبر محترم خوب باشد که اسامی قضاب معین و ضمیمه این قانون شود یعنی از طرف دولت یک هیئتی تشکیل شود و این نوع قضات را که خیلی معدود خواهد بود معین نمود اسامی آنها باین لایحه الحاق شود و اگر آقایان نظر داشته باشند که دولت این کار را بکنند ممکن است خود کمیسیون اینکار را بکنند و مجلس پیشنهاد شود در هر صورت این دوسه تعریفی که برای قضاب شده است مقصود را کاملاً انبرساند

مخبر - بنده تصور میکنم پیشنهاد آقای سردار سعید را بشود قبول کرد که در ضمن یک تبصره باده ضمیمه شود بقیه بنده خوب است ارجاع بفرمایند بکمیسیون در هر صورت ممکن است در خود ماده رأی گرفته شود و بعد این مطلب در ضمن تبصره باده اضافه شود

رئیس از آقای حاج شیخ حبیب الله هم پیشنهادی رسیده بود توضیحی دارند بفرمایند

حاج شیخ حبیب الله و لانا تجسوا والناس اشباههم ولا تتواقی الارض منسدين ما باید وقتیکه یک تعمیلی بر ریخت میکنم ملاحظه این را داشته باشیم که آیا اصلاحی در مملکت میشود یا جزو عتوان فساد است مالیات هائیکه جعل میشود یا باید از برای مصالح ملت یا

از برای مصالح دولت باشد ما اگر فرض کنیم که در سال مبلغ خطیری از رهت از مستقالات میگیریم برای چه این وجه را میگیریم یا چون یکبارگیه مالیات از سابق بود و مکرر در مکرر این مالیات مضاعف شده است برای چه مجدداً بگیریم لابد خواهد گفت که چون حسرت مالیه داریم حسرت مالیه سبب شده است که ما این قسم مالیاتها حمل کنیم عرض میکنم این دو حق دارد یک شش این است حکم میگویند (چه دولت نیست خرج آهسته تر کن) بعد از آنکه ما دخلمان کم است باید خرج را با دخلمان بسنجیم و هر قدر دخل داریم مطابق آن خرج بپردازیم والا اگر ابتداء خرج بپردازیم هر چه از رهت بگیریم وافی نخواهد شد ولو اینکه تمام مایهات را رعیت هم گرفته شود و با این ترتیب ادارات که مافرض میکنیم با این مالیاتها که از تعدد بابت تعدد بر رعیت است این مایهات تعدد بدستیم دوست و هشتاد هزار تومان دشمن را همین کرده اند و دوست و دوازده هزار تومان خرج را همین نموده اند در صورتیکه...

رئیس - پیشنهاد جناب عالی راجع است به نایشگاهها و میدانها و قصبیات و لفظ (و غیره) این نطق خارج از موضوع است پیشنهاد قرائت میشود ملاحظه بفرمائید

(بعضون سابق قرائت شد)

رئیس - در این باب باید بطور اختصار استدلال فرمایند چون شوروم است داخل در اصل مطلب نباشد اصل مطلب در شوراول و تانی مطرح شده مذاکره هم شد حالا راجع پیشنهادی که کرده ام باید توضیح بدهید

حاج شیخ حبیب الله - بله اما در مواردیکه مالیات برای آنها جعل میشود این مالیات باید بطوری باشد که مورد داشته باشد و ما بتوانیم برای او دفتر دار و محاسبی معین کنیم مثلا نوشته اند (انبارها) در ایران انبارهایی ندارد یا جزو دکان کین یا جزو کاور انبارهاست که مالیات میدهند یا انباری است که یک کسی در یک گوشه خانه خود برای غنّه میسازد و قابل اینکه مالیات بدولت بدهد نیست انبار خارجی نیست که بر او مالیات جعل شود بلکه در باب انبارها مادر باب اینکه میفرمایند نایشگاهها اما در ایران نایشگاه نداریم که مالیات ببندیم امامیدانها میدان مال فروشی است میدان مرغ فروشی است ما همچو میدانی نداریم که از آنها مالیات بگیریم علی الخصوص که این میدانها نوعاً در اراضی است که مالک ندارد یا در شوارع است یا در امکنه است که مصارف عامه دارد و قابل اینکه از برای او مالیاتی جعل بشود نیست علاوه بر این مالیاتی که اصناف میدهند همان مالیاتی است که برای این میدانها میدهند از این جهت بنده نمیتوانم تصور کنم که برای اینها مالیاتی وضع شود اما لفظ (و غیره) لفظ قانونی نیست در اداریت مالیه از هر شیئی مالیات میخواهد بگیرد و میگوید داخل (غیره) است من نمیدانم این (غیره) چه چیز است (غیره) قابل جعل مالیات نیست از اینجهت نمیشود آنرا هم داخل در قانون سکرت اما قصبیات عمده این خودش اسباب اختلاف و نزاع بین دولت و ملت میشود ملت میگوید قصبه من عمده نیست دولت میگوید قصبه باید قصباتی معین شود که قابل نظمی باشد اگر یک قصبه هست که قابل است در آنجا اداره نظمی تشکیل شود آنوقت میشود این مالیات را برای او وضع کرد والا مورد ندارد

رئیس - پیشنهاد آقای شیخ ابراهیم زنجانی - (بعضون سابق قرائت شد)

سردار سعید - خوبست مسئله قنوت را مینجرا کنند و یک پیشنهاد دیگری بشود

رئیس - آقایانیکه ماده سردار تصویب میکنند قیام نمایند

(اغلب قیام نمایند)

رئیس - تصویب شد - ماده چهارم خوانده می شود

(بعضون ذیل قرائت شد)

ماده (۴) - مخارج و مصارف مواظبت و تعمیر مذکور در ماده (۳) برای کلیه مستقالات یک خمس هایدی سالیانه منظور میشود بهایه آخری مالیات مستقالات بر چهار خمس عایدات مطلق سالیانه تعلق میگیرد

رئیس - آقایانیکه ماده چهارم تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند ماده چهارم تصویب ماده پنجم بعضون ذیل قرائت شد)

ماده (۵) - هایدی هر یک از مستقالات مذکوره در فوق اگر چنانچه در اجاره باشد از روی اجاره نامه تشخیص میشود و هر گاه اجاره نرفته باشد اداره مالیه از روی میزوی تشخیص خواهد داد باین ترتیب که آنها را با مستقالات نظیر آن که همان نواهی و اطراف نزدیک بآن واقع شده و تقریباً برای مصرف واحد میباشدند سنجیده و میزوی بنماید

رئیس - آقایانیکه ماده پنجم را تصویب میکنند قیام نمایند

(اکثر قیام نمودند و ماده ششم بعضون ذیل قرائت شد)

ماده (۶) - مستقالات ذیل از دادن مالیات معاف می باشند

(۱) مستقالات متعلق بدولت

(۲) مستقالات متعلق به یگر از اماکن مقدسه و مساجد که دولت وقتیت آنها را تصدیق کرده باشد و مستقالات متعلق به مدارس و دارالاسکین و دارالمعزّه و مریشخانهها

(۳) حمامها

تبصره - مستقالات مذکوره در فقرات ۲ و ۳ مالیاتها را که تا کنون میپرداخته اند کما کان خواهند پرداخت

(۴) مستقالات که بلا حاصل و فائده باشد

(۵) خانههای مسکونی برای مدتیکه مالکین شخصاً در آن خانها سکنا نموده اند

رئیس - فقره ششم را کمیسیون اضافه کرده است قرائت میشود

(بعضون ذیل قرائت شد)

(۶) - خانه که قسمتی از آن را مالک و قسمتی دیگر را با جاره داده باشد مشروط بر اینکه مال الاجاره سالیانه از سی تومان تجاوز نکند

رئیس - آقای حاج شیخ حبیب الله مخالفند ؟

حاج شیخ حبیب الله - بنده باین کلمه مش مخالفم چون از بابت موقوفات مقید فرموده است باماکن مقدسه و مساجد عقیده بنده این است که باید موقوفات مطلقاً معاف باشد و اینها را که معین کرده اند بیندازند بجهت اینکه از طرف وزارت معارف هم در موقوفات نظری خواهد شد یک قسمت را متولی میرسد و یک قسمت را وزارت معارف بگیرد یک قسمت هم که مالیات شخصی دارد با این ترتیب تماش از بین میرود پس خوبست مطلق موقوفات را بنویسند

مخبر - بنده تصور میکنم این نظر راجع باینجا نباشد یک قسمت را متولی میرسد ربطی باین مطلب ندارد و شاید تمام مالیه موقوفه را بپردازند طلب مربوط بقصبه موقوفه نیست اگر فقط نظر احترامی نبود بنده عرض میکنم که موقوفه و غیر موقوفه فرق ندارد بجهت اینکه همانطوریکه موقوفه از امنیت مملکت متنعم میشود موقوفه هم همین حالت را دارد پس معافیت دادن بصورت اینکه وزارت اوقاف یک چیزی خواهد گرفت و متولی یک چیزی خواهد برد نظری صحتی نیست البته وزارت اوقاف و معارف برای همین است که در موقوفات نظارت داشته باشد که بصرف وقتنامه ها برسد و وزارت معارف در این کار یک مدعی العمومی است و البته باید یک سهمی برسد همچنین دولت هم وقتیکه یک مالیاتی از برای کلیه املاک مستقل برقرار میکند برای این املاک هم باید برقرار کند فقط نظر احترامی بود که اینجا استثناء شده والا هیچ فلسفه ندارد

حاج شیخ محمد حسن گروسی - بنده نسبت بقدره پنجم از این ماده بیاناتی عرض کردم که خانه های مسکونی که مالکین مدعی در آن سکنی نموده اند مطلقاً از وضع مالیات خارج است حالا اگر نامر تا مدتی هم اجاره داده شده باشد باز عنوان مسکونی بآن صادق است و باید معاف باشد یعنی موضوعاً خارج است و اینکه اینجا نوشته شده است (برای مدعی که مالکین شخصاً در آنها مسکن نموده اند) شاید یک کسی بگماید بیک جائی برود و ندرتا آن بیکه را اجاره بدهند با این وصف از دارالاسکینی خارج نشده است هر وقتیکه عنوان خانه اجاره پیدا کرد آنوقت داخل این عنوان میشود و الا مادامیکه نشده است اگر چه اتفاق بیفتد که یک ماه یا دو ماه اجاره بدهد نمیشود مالیات بر او وضع شود این بود که پیشنهادی دادم که خانه های مسکونی نوشته شود مغلوب نشود

مخبر - دراصل مطلب جوابی عرض نمیکند بملت اینکه مکرر جواب عرض کرده ام ولی فقط عرض میکنم خوبست فقره بقدره بفرمائید که مطالب مغلوب نشود

رئیس - در شور اول همین کار را کردیم و تصور کردم چون در شور اول تمام مذاکرات شده است در شور دوم این ترتیب لازم نخواهد بود حالا که میخواهد همین کار را میکنم در فقره اول مخالفی هست یا خیر ؟ (اظهاری نشد) در فقره دوم چطور ؟ (اظهاری نشد) در فقره سوم چطور ؟

سلیمان میرزا - در فقره دوم که ...

رئیس - این مسئله بسته ببیل خودشان است

حاج شیخ اسد الله - در شور اول در فقره اول

این پیشنهاد رای گرفته و رد شد گمان میکنم ثابتی نمیشود رای گرفت

رئیس - تفاوت نمیکند اشخاصیکه میفرمانند رد کنند تا قاضا میکنند تجزیه شود رای میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای شیخ ابراهیم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای سلطان الملک قرائت میشود

(مجدداً بعضون ذیل قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای آقا میرزا هاشم

پس میگیریم

رئیس - در پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیب الله رای میگیریم آقایانیکه اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - اصلاح آقای سردار سعید هم بکمیسیون میرود و بشکل تبصره خواهند نوشت رای میگیریم در ماده اول

مخبر - قبلاً بنده باید عرض کنم که آقایان در موقبتیکه رای میدهند البته در این مسئله دقت خواهند کرد که دو طرف قضیه رد شده است بعضی عقیده ایشان این بود که خانه های مسکونی هم باید داخل شود آن هم رد شد پس بنده استدعا میکنم در رای دادن دقت بفرمائید بملت اینکه اگر ماده اول رد شود تمام این قانون رد میشود

مشارک الوولّه - (و غیره) را که آقای حاج شیخ حبیب الله پیشنهاد کردند حذف شود بنده هم پیشنهاد میکنم حذف شود (و غیره) هیچ معنی ندارد

مخبر - اگر چه (و غیره) اینجا معنی دارد ولی برای اینکه خود ماده در خطر نیافتد بنده لفظ (و غیره) را پس بگیرم

(ماده اول با حذف (و غیره) مجدداً قرائت شد)

رئیس - آقایانیکه ماده اول را بطوریکه قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده دوم قرائت میشود

(بعضون ذیل قرائت شد)

ماده دوم - مالیات مستقالات مذکوره در ماده (۱) از قرار صد پنجاهت خالصی سالیانه تعیین میشود

رئیس - آقایانیکه ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم قرائت میشود

(بعضون ذیل قرائت میشود)

ماده (۳) - مقصود از عایدات سالیانه عایداتی است که پس از وضع مخارج لازمه از بابت مواظبت و تعمیر عاید مالک میشود

رئیس - فقره سوم است

سلیمان میرزا - بنده در فقره دوم عرض داشتم

ملک الشعراء - اعتراض در فقره دوم است چون خیلی بر سرش گذشت نشد اظهار کنند

رئیس - بنده که فقره بقدره سؤال کردم جواب نفرمودید حالا در فقره اول آقایان اظهاری دارند یا ندارند ؟ اگر اظهاری دارند بفرمائید معلوم میشود در فقره اول اظهاری نیست در فقره دوم مخالفی هست ؟

نظام السلطان - بنده در فقره دوم مخالفم

مخالفتم این است که در باب مالیات نباید استثنائی باشد و باید موقوفات هم از اماکن مقدسه و غیره همه یکسان مالیات بدهند

حاج شیخ محمد حسن - ما وقتی که جهات وقف بر اماکن مقدسه و خصوصیات نظرواقف را ملاحظه کنیم البته همان جهاتیکه در اشخاص هست در اجتماعات و هیئت ها بطریق اولی لازم است اولاً وقف بر اماکن مقدسه مسلم است که فی الحقیقه متضمن یک نوع شائری اسلامی است و دیگر اینکه وقف بر عجز است و پاره ساین است و یابری بیادگان از زوار است چطور می شود چیزی را که فرد فرد ملت از برای این امور است مساعدت میکند دولت از او صرف نظر بکند و مساعدت با او نباشد و آنرا معاف ندارد و ابتداً هیچ وجه من الوجوه آنها را استثناء نکند دولت شائری اسلامی را باید بیشتر مراعات و تقویت کند تا اشخاص

رئیس - آقای سردار سعید در فقره دوم مخالفید ؟

سردار سعید - بنی غرضی آقای حاج شیخ حبیب الله فرمودند که کلیه موقوفات را مستثنا کنند میخواستم عرض کنم که موقوفات را کلیه نمیشود معاف داشت زیرا ممکن است یک کسی وقف بر اولاد کند آن وقت این املاک متعلق بخود آنها است و با اولادشان میرسد در اینصورت باید از مالیات معاف باشد در پایان عرض می کنم خوب است این ماده را تجزیه کنند و بعضی هم آنقدرها در این موضوع اشکال تراشی نکنند

رئیس - در موقع رای تجزیه خواهد شد پیشنهادم شده است

ملک الشعراء - گمان نمیکند در این موضوع اظهار تازه باشد زیرا که هر یک از آقایان که صحبت میکنند میدانند و تصدیق دارند که موقوفات و اشخاصی که تولیت موقوفات را دارند تماماً از امنیت برخوردار میشوند و با سایرین شریک هستند و فرقی ندارند شائری اسلامی هم در همه جا معتبر است مسئله اینکه صد پنج از هایدی سنگت یک موقوفه برای بیس بدبختی که سرب تاصبح کشیک آن موقوفه را میکند و محافظت میکند بدهند که دزد در فلان مسجد نرود این ربطی بشائری اسلام ندارد و این مالیات برای امنیت است و برخلاف شائری اسلام نیست مطالب سطحی را مطالب مهمه مذهبی نچسباند خیلی بی ادبست وقتیکه یک دولت فقیر مفلوکی میخواهد یک مالیاتی بگیرد این اظهارات را میکنند دولت بشائری اسلامی خیلی احترام میکند و فرد فرد مسلمانها شائری را خیلی محترم میدانند اما یک موقوفه که سال دوازده هزار تومان هایدی

دارد و معلوم نیست این هایدی بکجا و بکدام سوراخ فرو میرود اگر صدینتی هم بدولت بدهد که نظمی آن شهر بتواند حفظا و صاحب آن موقوفه را بکند چه ضرر دارد خوبست بکفداری از سطحیات خارج شویم و یک قدری روشن تر شویم بهر حال این مطلب گمان میکنم خارج از موضوع این قانون است و البته موقوفات باید مالیات بدهند

مخبر - این مطلب راجع بکلیه موقوفات نیست در اجمع املاک مستقلی است که در شهرها و قصبیات همه وقف شده اند و الا خیلی املاک وقف داریم که مالیات بدهند و تا بحال هم مالیات خود را داده اند

ملک الشعراء - بنده هم مقصود همان مستقالات موقوفه در شهرها است

عادل الملک - در شور اول هم عرض کردم که املاک مزروعی که متعلق باوقافت مالیات میدهند و منحصر باین صد چهارم نیست بطور اختصار عرض میکنم املاک موقوفه اگر باید مالیات بدهند مطلقاً باید بدهند برای اینکه معین مالیات برای شائری اسلامی مصرف میشود علاوه امنیت و انتظام مملکت یکی مطالبی است که مسلمانها بیشتر اهمیت میدهند و بیشتر باید طرف توجه هر مسلمانی باشد انجام قانونگذار این مالیات را به نظمی و تأمینات تخصیص داده است و گمان میکنم یک دلالی باشد که بتوان این مسئله را در قانون مستقالات منظور داشت

مقید الاسلام - بنده هم عرضم این است که فرقی میان املاک مزروعی و مستقالات وقتی نیست همچنانکه املاک وقفی مالیات میدهند مالیات مستقالات را هم باید بپردازند علاوه در تمام وقف نامه ها ملاحظه میکنیم نوشته شده است که بعد از اداء مالیات و مخارج آنچه باقی بماند بصرف برسانند پس واقف هم همین نظر را دارد

رئیس - راجع بقدره سوم آقایان اظهاراتی دارند ؟

آقای میرزا هاشم - بنده میخواستم عرض کنم که نسبت بقدره مالیاتی که برای مستقالات موقوفات و دارالاسکین و دارالمعزّه معین شده است بعضی آقایان تصدیق فرمودند که ...

رئیس - راجع بقدره سوم است

آقای میرزا هاشم - بنده راجع بقدره دوم عرض داشتم

رئیس - موفقت گذشت در فقره چهارم کسی اظهاری دارد یا خیر ؟ (مخالفتی نشد) در فقره پنجم پیشنهادی کرده اند قرائت میشود

حاج شیخ محمد حسن - از طرف بنده است قرائت بفرمائید

(بعضون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که فقره پنجم چنین نوشته شود

خانه های مسکونی

حاج شیخ محمد حسن - سابقاً عرض کردم که خانه های اجاره متعده است از برای عایدی که مالیات میدهند اما خانه های مسکونی از برای صرف انتفاع است و ابتداً مالک در او نظر بهایدی ندارد در صورتیکه از او یک هایدی برای امور معیشت شخصی خودش دخل نمیکند از این موضوع خارج و نباید آنرا در استثنائیکه برای مالیات فرموده اند داخل کنیم یا از جهت او مالیات ببندیم لهذا عرض

کردن خانه های مسکونی مطلقاً خواه باینکه مدتی مسکونی باشند یا نباشند همینقدر از عنوان دارالسکنائی بیرون نرفته است از موضوع مالیات خارج است تا وقتی طوری شود که مالک آنرا داخل خانه اجاره بکند او را همه از برای اجاره قرار بدهند آنوقت داخل در موضوع مالیات بده میشود پس قید باینکه (برای مدتی که مالکین شخصاً در آن سکنی نمودند باشند) این قید را بنده زائد میدانم **رئیس** - در فقره پنجم دیگر کسی اظهاری ندارد در فقره ششم چطور ؟

مصر الملک - در فقره ششم نوشته شده است (خانه هائیکه مالکین در آن سکنی دارند و قسمتی از آنرا اجاره میدهند در صورتیکه مال الاجاره سالیانه از سی تومان تجاوز نکند) نباید مالیات بدهند بنده عرض میکنم این مسئله برای مرکز خیلی خوبست ولی از برای ولایات خیلی زیاد است بجهت اینکه در ولایات اجاره خانه ها مهم بیشتر از سی تومان نیست اگر باین ترتیب باشد هیچ مالیاتی باقی نماند کما این قبیل خانه ها گرفته شود خوبست در ولایات یازده تومان قرار بدهند و در مرکز سی تومان

مخبر - اینجا دوش شرط شده است این دوش شرط که باهم جمع شوند آنوقت تازه معاف میشود اگر یک شرط بود بنده هم با آقای مبر الملک موافق بودم شرط اول این است که خود مالک در آن ساکن باشد و یکقسمت آن را اجاره داده باشد شرط دوم این است که مال الاجاره آن قسمتی که با اجاره داده میشود از سی تومان کمتر باشد بجز آنکه ما سنجیدیم سی تومان در سال ماهی کمتر از سی تومان میشود و مالیات آن ماهی بقران میشود و البته اگر زیاد تر از این مبلغ باشد و صاحب آن یک قسمتی را با اجاره داده باشد باز مالیات میدهد **رئیس** - آقای مدرس پیشنهاد جنابعالی قبلاً فراتر میشود بعد توضیح بدهید

(بمضمون ذیل فراتر شد)
پیشنهاد میکنم که فقره ششم چنین نوشته شود خانه که قسمتی از آن را مالک ساکن و قسمتی دیگر را با اجاره میدهد یا مال الاجاره سالیانه از سی تومان تجاوز نکند

مخبر - مابین این پیشنهاد و ماده اختلاف نظر بزرگی است مقصود ما معاف کردن خانه هائیکه مطلقاً سی تومان اجاره دارد نیست بجهت اینکه آقای آصف الملک پیشنهادی کردند که مسکن است یک کسی یک خانه داشته باشد و چند تا اطاق آنخانه را اجاره بدهد اینجا تکلیف آن صاحب خانه چه خواهد بود و نظر ایشان این بود که آن قسمت هم معاف باشد یعنی یک قسمتی را که خودش سکنی کرده است یک قسمت دیگر را هم که با اجاره داده است ولو اینکه یک عایدی مختصری هم برای او داشته باشد معاف باشد کمیسیون قوانین ماله هم نظر ایشان را تصدیق کرد بجهت اینکه کسی که یک خانه دارد و در یک قسمت آن منزل کرده و یک قسمت دیگر را اجاره میدهد معلوم است از روی گرفتاری و اضطرار است در این صورت این عایدی قابل تمییل یک مالیات نخواهد بود بنابراین این قبیل خانه از مالیات دادن معاف هستند بعضی هم نظرشان این بود که ممکن است کسی یک عمارت

بزرگی داشته باشد و قسمت کوچک را خودش منزل بکند و قسمت بزرگ عمارتش را اجاره بدهد آنوقت مطابق این قانون آن عمارت باید از دادن مالیات معاف باشد و اگر اینطور قرار بدیم غلط است باین ملاحظه بود که مقید کردیم بدو شرط یکی اینکه خودش ساکن باشد و یک قسمت را با اجاره بدهد و دیگر اینکه مال الاجاره اش سالیانه از سی تومان تجاوز نباشد والا اگر مال الاجاره اش در سال صد تومان یا دویست تومان باشد البته باید مالیات بدهد چه فرق میکند آن شب هم در شور اول فرمودند عرض کردم اگر باین وسائل غیر مستقیم بخواهند موفقیت حاصل کنند باینکه خانه ها از دادن مالیات معاف کنند متأسفانه اکثریت مجلس آن نظر را رد کرد و حالا هم اگر بخواهیم مقید کنیم که خانه هائیکه اجاره شان سی تومان است مالیات ندهند قسمت اعظم خانه ها نباید مالیات بدهند

مدرس - اولاً عرض کنم که این پیشنهاد غیر از آن پیشنهادها است بواسطه اینکه این پیشنهاد ها صد و بیست تومان و شصت تومان میشود و این پیشنهاد مقید سی تومان است که در حقیقت ماهی ۳۵ قران کرایه آن میشود مقصود این است که خانه که ماهی ۲۵ قران اجاره اش باشد و این مبلغ همده نیست و متحمل شدن آن سهل است لهذا این قسم پیشنهاد کردم که خانه هائیکه یک قسمت از آنرا اجاره داده باشند یا مال الاجاره سالیانه آنها از سی تومان تجاوز نکند معاف باشد

مخبر - بباله عرض میکنم این پیشنهاد در اینجا مورد ندارد بجهت اینکه این پیشنهاد مجلسی جای دیگر بود و آن فقره ششم است و راجع است بخانه های مسکونی که یک قسمتش را اجاره میدهند در این مورد این پیشنهاد آقا هیچ موقع ندارد و آن معایبی هم که عرض کردم وارد است **رئیس** - آقای مؤید الاسلام و عدل - الملک و ملک الشراء پیشنهاد کرده اند این ماده تجزیه شود و رأی گرفته شود و یک پیشنهاد هم از طرف آقای زنجانی است قرائت میشود و رأی می گیریم

است بنده عرض میکنم آن دو ماده هم جزو هیچ است نه جزو عایدی معموله است و نه جزو عایدات غیر معموله و از این قبیل اتفاقات بسیار خواهد افتاد و نباید از موضوع خارج کرد و داخل موضوع دیگر نمود دارالسکنائی موضوعی است مستقل و در قبال آن خانه هائیی است که اشخاص سکنی دارند اگر چه از مستغلات است و ندرتاً اجاره داده شد ولی تفاوت نظر خیلی است و باید معاف باشند **مخبر** - بنده باز هم عرض میکنم تفاوت نظری در بین نیست بجهت اینکه تا وقتی که کسی در خانه خودش منزل دارد آنجا نه مسکونی است و مطابق این قانون باید معاف باشد و بعد در آنجا اجاره داد بموجب ماده اول خانه که اجاره داده میشود مالیات بر از تعلق میگیرد اما هیچ مقید نگردیم خانه اجاره که در ظرف یکسال اجاره داده میشود باید یک یا دو ماه همینقدر که با اجاره برود باید مالیات او را از روی آن اجاره بپردازد خواه یک سال باشد خواه یکماه بنده هیچ اشکالی در این نمی بینم اگر آقا اصلاح عبارتی دارند بنده کمال مساعدت را دارم **رئیس** - در هر صورت موافق نظر آقا آنروزی که پیشنهاد قابل توجه میشود در آنروز بطور قطعی نمیشود رأی گرفت

(ماده هفتم قرائت میشود)
(بمضمون ذیل قرائت میشود)
ماده ۷ - مستغلات جدیدالبناء و مستغلاتی که بواسطه حادثه از قبیل حریق زلزله سیل و امثال آن محتاج به تجدید بنا یا تعمیر کلی شوند از روز ختم بنا تا دو سال از دادن مالیات مستغلات معاف خواهند بود مشروط بر اینکه وقوع خرابی و ختم بنا کتباً با اداره مالیه اظهار شود

رئیس - در ماده هفتم مغایری نیست رأی میگیریم آقایانیکه ماده هفتم را تصویب میکنند قیام نمایند

ماده ۸ - هر یک از مستغلات مذکوره که بیش از سه ماه مسلوب المنفعه بماند مالیات مدتی که مسلوب المنفعه بوده است باو تخفیف داده میشود **رئیس** - آقای مدرس فرمایشی دارید ؟ **مدرس** - عرضم این است که این ماده محتاج الیه نیست بجهت اینکه نوشته است کمتر از سه ماه باو تخفیف داده نمیشود این مسئله با اساس این قانون مخالف است بجهت اینکه این قانون از روی عایدی است عایدی دارد یکماه ندارد دو ماه دارد سه ماه با چهار ماه ندارد دو ماهی که عایدی ندارد تخفیف داده نمیشود این هیچ فلسفه ندارد و با این قانون مخالف است لهذا اگر آقای مخبر تأمل بفرمایند خوبست اصلاً این ماده را التاء بفرمایند زیرا ابتدا محل احتیاج نیست بجهت اینکه وقتیکه مالیات مالیات عایدی شد هر چه عایدی داشته باشد باید مالیات بدهد چهار ماه است چهار ماه هشت ماه است هشت ماه

مخبر - بله اینجا در شور اول هم آقای حاج شیخ اصداغه فرمودند و بنده هم جوابی بایشان عرض کردم و حالا هم تکرار میکنم که در تئوری و فکر

حاج شیخ محمد حسن - عرض کردم کسی خانه دارد که دارالسکنائی خودش است و اجاره نداده است اتفاقاً میخواهد برود بشیراتان یک ماه یا دو ماه در آنجا بماند در اینصورت یک کسی پیدا شده و با اجاره داد آنوقت چه خواهد شد در اینجا نوشته است تا مدتی که شخصاً ساکن است معاف

بزرگی داشته باشد و قسمت کوچک را خودش منزل بکند و قسمت بزرگ عمارتش را اجاره بدهد آنوقت مطابق این قانون آن عمارت باید از دادن مالیات معاف باشد و اگر اینطور قرار بدیم غلط است باین ملاحظه بود که مقید کردیم بدو شرط یکی اینکه خودش ساکن باشد و یک قسمت را با اجاره بدهد و دیگر اینکه مال الاجاره اش سالیانه از سی تومان تجاوز نباشد والا اگر مال الاجاره اش در سال صد تومان یا دویست تومان باشد البته باید مالیات بدهد چه فرق میکند آن شب هم در شور اول فرمودند عرض کردم اگر باین وسائل غیر مستقیم بخواهند موفقیت حاصل کنند متأسفانه اکثریت مجلس آن نظر را رد کرد و حالا هم اگر بخواهیم مقید کنیم که خانه هائیکه اجاره شان سی تومان است مالیات ندهند قسمت اعظم خانه ها نباید مالیات بدهند

کاملاً حق با جنابعالی است و همین طوار است که میفرمایند و باید ساعت بساعت عایدی آنرا سنجیده و ساعت بساعت مالیات گرفت اما وقتیکه بخواهیم داخل عمل شویم و از روی جنبه عملی کار کنیم این مقصود پیش نبرد و اسباب اشکال و زحمت فراهم می آید آن اداره که مورد وصول مالیات است هیچوقت نمیتواند مراتب و مواظب باشد که چه وقت خالی بود و چه وقت عایدی داشته چه وقت نداشته است بنابراین چه میکند یک حداقل اکثری معین میکند فرض کنیم در سال یک مستغلی سه ماه مسلوب المنفعه و خالی باشد و چیزی از آن بمالک عاید نشود و بعد نه ماه دیگر عایدی داشته باشد در مقابل صدی چهار که باید از مجموع عایدی سالیانه بدوالت بدهد آیا آن عایدات نه ماه جبران خسارت آن سه ماه را میکند یا نه ؟ البته از منظر مالیه جبران میکند اما اگر امتداد میدادیم و میگویم نصف سال شش ماه اگر خالی مانده باشد مالیات بدهد آنوقت ظلم بود باین جهت برای اینکه بهتر شود این کار را اداره کرد این طور در قانون معین شده است در ماده ۱۶ ملاحظه خواهید فرموده که کسانی که اسشان بدست مالکیت در دفتر مالیه ثبت شده است خود آنها مسئول مالیات هستند حالا اگر کمتر از سه ماه مسلوب المنفعه بود متحمل ضرر او میشود و چندان تعجیلی نیست اما اگر زیاد تر بود آنوقت دولت مراعات میکند و تخفیف مالیاتی بمالک میدهد و این ترتیب از نقطه نظر عملی است نه از نظر فکری و عدالت مطلق چون گاهی از اوقات میشود که در عمل باید متعذر شویم و از عدالت صرف نظر بکنیم و این هم یکی از آن مقام است

حاج شیخ محمد حسن - این لفظ (مسلوب المنفعه) مثل لفظ مستغلات معلوم میشود بوجه خودش مقصود نیست چونکه مراد از مسلوب المنفعه نه این است که خانه یادا کین که یک ماه یا دو ماه با اجاره نرفته آنرا مسلوب المنفعه بگویند مقصود این است که از حیز انتفاع بیرون باشد بلی وقتی از حیز انتفاع بیرون شد و بنا و اساس آن منهدم شد آنوقت او را مسلوب المنفعه میگویند ولی اگر مقصود از این لفظ این است که با اجاره نرفته است باید بنویسد (که سه ماه بدون عایدی مانده باشد) اما اگر مقصود این است که بالدره از حیز انتفاع بیرون رفته است و بهیچوجه مالک نمیتواند از او منتفع بشود و اساس و بنایش منهدم شده است آنوقت چه مالیاتی باید بدوالت بدهد ؟ بباله منافع با آن فقره چهارم دارد که میگوید (مستغلاتی که بلا حاصل و قائمده باشد) و او را از مستغلات شمرده است اگر مراد از مسلوب المنفعه همان مسلوب المنفعه مصطلح است که اساس و بنیان آن منهدم شود آنوقت متیقن است که جزو مستغلاتی است که بلا فائده است و داخل مستغلات است اما اگر مراد بلا عایدی است تغییر بلا عایدی ب مسلوب المنفعه غلط است باید این لفظ را عوض کنند و تغییر به بلا عایدی نمایند اما اگر مقصود همان معنی خودش است که از جمله مستغلات شد و گفته شد که مستغلاتی که بلا فائده مانده نباید چیزی بدهد

مخبر - این کلمه را آقا تفسیر فرمودند باینکه یکی از حیز انتفاع افتاده باشد در صورتیکه ابتدا مقصود این نبود و مقصود ما این بوده است که سه ماه اگر بلا عایدی مانده باشد حالا اگر این عبارت حقیقتاً ناقص است اصلاح بفرمایند

مخبر - بله اینجا در شور اول هم آقای حاج شیخ اصداغه فرمودند و بنده هم جوابی بایشان عرض کردم و حالا هم تکرار میکنم که در تئوری و فکر

حاج شیخ محمد حسن - عرض کردم کسی خانه دارد که دارالسکنائی خودش است و اجاره نداده است اتفاقاً میخواهد برود بشیراتان یک ماه یا دو ماه در آنجا بماند در اینصورت یک کسی پیدا شده و با اجاره داد آنوقت چه خواهد شد در اینجا نوشته است تا مدتی که شخصاً ساکن است معاف

حاج شیخ محمد حسن - عرض کردم کسی خانه دارد که دارالسکنائی خودش است و اجاره نداده است اتفاقاً میخواهد برود بشیراتان یک ماه یا دو ماه در آنجا بماند در اینصورت یک کسی پیدا شده و با اجاره داد آنوقت چه خواهد شد در اینجا نوشته است تا مدتی که شخصاً ساکن است معاف

حاج شیخ محمد حسن - عرض کردم کسی خانه دارد که دارالسکنائی خودش است و اجاره نداده است اتفاقاً میخواهد برود بشیراتان یک ماه یا دو ماه در آنجا بماند در اینصورت یک کسی پیدا شده و با اجاره داد آنوقت چه خواهد شد در اینجا نوشته است تا مدتی که شخصاً ساکن است معاف

حاج شیخ محمد حسن - بلی ناقص است **مدرس** - لابد تصدیق میفرمایند که وزارت مالیه همه ساله باید تحقیق بکند در احاره و عایدی مستغلات باین اندازه که لابد متعاض است بعد از آنی که لازم است وزارت مالیه همه ساله این تحقیق را بکند پس یک ماه دو ماه سه ماه یا کمتر یا زیادتر اگر بسته باشد و عایدی نداشته باشد هیچ فرقی نمی کند و بعد از اینکه لازم است وزارت مالیه تحقیق کند که عایدی فلان مستغلی چند است ممکن است این سه ماه را هم فرض کنید جزو آن مدتی است که عایدی نداشته و باید مالیات بدهد

مخبر - عرض کردم در عدل تولید اشکال خواهد کرد وقتیکه میخواهند مالیات بگیرند فلان مالک ادعا خواهد کرد ۱۵ روز اینجا خالی بود اداره مالیه چطور این را بپذیرد اسنادی لازم دارد؟ شهودی لازم دارد؟ معاکه بکند؟ چه باید بکند؟ باین جهت تصدیق میکند اگر زیادتر از ۳ ماه است که بر دوالت تعجب می شود و از مالیات صرف نظر می کند اگر کمتر است که اینقدرها امنیت ندارد عرض کردم ما در مالیات گذاری تمام جنبه عدالت را نمی توانیم در نظر داشته باشیم یک قدری هم باید قسمت عملی را که اسباب سهولت کار است در نظر بگیریم قانون باید حتی الامکان یک طوری باشد که خیلی زود بتوان آنرا بوضع اجرا گذاشت

رئیس - مذاکرات در ماده هفتم کافی است یا خیر ؟ (گفته شد کافی است)

حاج شیخ محمد حسن - پیشنهادی دارم **رئیس** - (مسلوب المنفعه) را (بلا عایدی) بنویسم ؟ **مخبر** - فرقی نمی کند مقصود یکی است عبارت اگر اینطور بهتر است بنویسید بنظر بنده هر دو خوبست

رئیس - در اینخصوص پیشنهادی دارید ؟ **حاج شیخ محمد حسن** - بلی راجع بلغظ مسلوب المنفعه بود که قبول کردند **رئیس** - قبول دارید ؟ **مخبر** - بلی قبول دارم **رئیس** - دو فقره پیشنهاد رسیده قرائت می شود

(پیشنهاد آقای مشار الدوله بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم برای اینکه این ماده بعد از نزدیکتر باشد اینطور نوشته شود **رئیس** - قبول دارید ؟ **مخبر** - بلی قبول دارم **رئیس** - دو فقره پیشنهاد رسیده قرائت می شود

مشار الدوله - توضیح این مطلب واضح است و در پیشنهاد عرض شده است مقصود از این پیشنهاد این بود که عالی تر شود و مخصوصاً تصدیق خواهند فرمود که اگر عملی تر نباشد بعد از نزدیکتر است چون هر روزی که یک مستغلی بلا فائده بماند مالیات نیدهند و خیلی هم صحیح است از آنطرف ملاحظه بفرمایند در همه جا این ترتیب سابقه دارد

تغییر داد پس باید يك مواد اساسی را در قانون نوشت و جزئیات را موکول به نظامنامه کرد و آنرا بموجب اجرا گذاشت آنوقت اگر اشکالاتی پیش بیاید ممکن است نظامنامه را تغییر داد ولی ملاحظه فرمائید که جزئیات در قانون نوشته شود باید دولت هر روز يك لایحه قانونی برای تغییر يك ماده بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند و بدیهی است این ترتیب غیر ممکن است اما اینکه ذکر شد که اسامی مختلف بعنوان مالکیت با اداره مالیه بیاید و اداره دچار اشکالات خواهد شد اگر درست دقت فرمائید بهین دلیل يك جمله که دولت پیشنهاد کرده بود در این قانون رد شد و همان نظر بود که آقای حاج شیخ اسماعیل فرمودند اداره مالیه نباید خودش را داخل در مالکیت مردم بکند والا خیلی اشکالات پیش میآید در لایحه که دولت پیشنهاد کرده بود این شکل نوشته شده بود (محاکم عدلیه مکلفند قبوض مالیاتی را در حدود اسناد رسمی محسوب دارند) مثلا اگر بنده قبض مالیات یکدکانی را در دست داشته باشم میتوانم آنرا مدرک قرار بدهم و بگویم مالک این دکان هستم اگر ما يك همچو حقی را بمسأله میبندیم چه اشکالاتی پیش خواهد آمد اداره مالیه نمیتواند دخالت کند در اینکه این ملک که مالیاتش را من میدهم مال من است یا مال دیگری است یا در دلایل ماده حذف شد و اداره مالیه را بسایر کار دخالت ندادند مالیه مالیاتش را ارکسی نمیکرد که باید آنجا را برداشت میکند حالا او مالک است یا نیست این مطلبی است که باید در عدلیه مذاکره شود ربطی به اداره مالیه ندارد.

رئیس - در این باب مذاکرات کافی نیست (گفته شد کافی است)

چند نفره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود و رأی میگیریم.

(پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیبالله بهضمون ذیل قرائت میشود)

بنده پیشنهاد میکنم که بعد از کلمه مستغلات این کلمه نوشته شود در صورت نبودن مالک در محل انتشار اعلان.

(پیشنهاد آقای یونسالاسلام)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم این کلمه زیاد شود (اسامی مالکین و متولی های مستغلات) **رئیس** - مقصود این است که لفظ (متولیان) در بیان مستأجرین و مالکین اضافه شود.

(پیشنهاد آقای شیخ ابراهیم زنجانی)

بنده پیشنهاد میکنم ماده هم چنین نوشته شود اسامی مالکین مستغلاتی که مطابق این قانون مالیات بآنها تعلق میگردد از طرف خود آنها یا کسانی که قائم مقام آنها باشند در ظرف مدتی که اداره مالیه اعلان میکند باید آن اداره اظهار شود و در صورت تغلف خود اداره بتوسط مستأجر و خبره تحقیق و ثبت مینماید و بجهت تغلف از قانون بقدر ربع مالیات یکساله بر مالیات سال اول آن مستغلات اضافه میشود.

(پیشنهاد آقای عدلالملک)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۰ این طور نوشته شود.

اسامی مالکین مستغلاتی که مطابق این قانون مالیات مستغلات بآنها تعلق میگردد از طرف خود آنها و مستأجرین آن مستغلات باید با اداره مالیه اظهار شود الی آخر.

رئیس - آقای حاج شیخ حبیبالله تو یعنی دارید؟

حاج شیخ حبیبالله - در صورتیکه مالک هست بی جهت نباید اسباب رحمت مستأجر را فراهم بیاوریم ولی اگر مالک در محل نباشد و قبضه نداشته باشد آنوقت برای رفاهیت دولت خوب است مستأجر اطلاع بدهند.

رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید؟

مخبر - قبول ندارم.

رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج شیخ حبیبالله آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای مؤید الاسلام توضیحی دارید بفرمائید.

یونسالاسلام - چون موقوفات در این قانون جزء مستغلات نوشته شده بود بعد از مستغلات خارج شد و داخل شد در املاکی که باید مالیات بدهند از این جهت باید متولیان هم در اینجا نوشته شود.

مخبر - بنده این اصلاح را قبول دارم.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - قائم مقام مالکین همان متولیان یا کسانی که قیم صغار هستند یا در صورتیکه غائب باشد وکیل آنها هستند و لفظ قائم مقام همه را شامل میشود اگر مالک خودش حاضر است صورت میدهد اگر نبوده یا اظهار نکرده آنوقت اداره مالیه از مستأجر و خبره تحقیق میکند و اسم مالک را ثبت میکند والا مستأجر را در فرض مالک قرار دادن و مسئولیت را باین آنها مردد قرار دادن صحیح نیست یا هر دو باید مسئول باشند یا اول یکی بعد دیگری والا در عرض هم بودن صحیح نیست.

مخبر - در موضوع فرمایشات آقا بنده در دفعه اول عرض نکردم بجهت اینکه آن کلماتی که با این قانون تطبیق فرمودند اشتباه است.

آن کلماتی که در اینجا فرمودند در جای خود صحیح است مربوط باین قانون نیست اما در مد نظر اینکه بفرمائید نباید مالک را با مستأجر در حقوق مساوی کنند اول باید دید این حق چه حقی است آنوقت به بنده می شود مالک و مستأجر را در آن حق مساوی قرارداد یانه؟ و بالاخره من تعجب میکنم چه اهمیت دارد که اسم مالک يك مستغلی بتوسط مستأجر آن مستغلات با اداره مالیه اطلاع داده شود یا اینکه اگر مالک نباشد مستأجر حق داشته باشد اطلاع بدهد که مالک مستغلی نیست پس در قسمت اول بنظر بنده اشکالی نیست و قابل مذاکره هم نیست میماند قسمت ثانوی این ماده (که در صورت تغلف مسئول خواهد بود) اگر میفرمائید هیچ نیاید نوشت در صورت تغلف مسئول خواهد بود بر خلاف فرمایش اولی خودتان است و لایق يك مسئولیت و مجازاتی در مقابل عدم رعایت قانون باید باشد اگر نظر جنابعالی این است که باید تمام مجازاتی که ممکن است بر او تعلق بگیرد در اینجا

خواسته خواهد شد پس از دو هفته از تاریخ اختصار اگر باز اظهاریه داده شود و یا اداره مالیه صحت آنرا تردید نماید اداره مالیه رأساً اقدام بمیزی و تعیین عایدات آن مستغلات خواهد نمود.

عدل الملک - بنده میخواستم عرض کنم بعد از آنکه (یا) از ماده دهم حذف شد در اینجا دیگر محلی نماند و باید اظهاریه از طرف مالک یا مستأجر هر دو برسد.

مخبر - این مربوط بماده نهم است ربطی بماده دهم ندارد.

رئیس - دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی میگیریم بماده ۱۱ آقایانی که قبول دارند قیام نمایند.

عده کثیری قیام نمودند

رئیس - تصویب شد - ماده دوازدهم قرائت میشود.

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۲ - در موقع ممیزی عایدات مستغلات باید قبلاً بآنها اطلاع شود و مشارالیه حق خواهد داشت که خود یا نماینده اش حضور بهم رسانند و این ممیزی بتوسط ممیزی که از طرف اداره مالیه معین میشود بعمل خواهد آمد.

رئیس - آقای حاج شیخ حبیبالله در ماده ۱۲ مخالفی؟

حاج شیخ حبیبالله - بلی - بنده عرض میکنم در اینصورت که ممیزی از طرف اداره مالیه بعمل میآید خوب است يك کلمه اضافه شود که بکنفر هم از طرف مالک حاضر شود در صورتیکه مالک بکنفر ممیزی بفرستد نه از برای مالک اسباب زحمت است و نه برای اداره مالیه.

حاج خزانه مالک - این متمم ماده یازدهم است که نوشته شده اگر مالک اطلاعات ندارد اداره مالیه خودش رأساً بمیزی اقدام خواهد کرد یعنی است در موقع اقدام مالک نخواهد بود و فرضاً هم که باشد اداره مالیه باید خودش اقدام کند علاوه بر این مسئله پیش بینی شده است که اگر مالک اعتراض داشت بموجب مواد بعد حق خواهد داشت اعتراض خود را اظهار کند و در دفعه ثالث از طرف اداره مالیه و از طرف مالک و از طرف حکومت سه نفر ممیزی خواهند فرستاد و ممیزی خواهند کرد و گمان میکنم در این صورت اشکال آقا هم رفع شود.

حاج شیخ حبیبالله - این در صورتی است که مالک هست خوب است که مالک نباشد در اینجا نوشته شده است (بمالک اطلاع میشود) پس معلوم است مالک هست که یاو اطلاع میشود پس حالا که مالک هست خوب است دوهمان وقت که ممیزی بفرستند يك مزمزم از طرف مالک باشد که محتاج بماده بعد نشویم و اسباب زحمت شود.

رئیس - اصلاح آقای حاج حبیبالله قرائت میشود و رأی میگیریم.

(بضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم که ممیزی این قسم نوشته شود و این ممیزی توسط ممیزی که از طرف اداره مالیه معین میشود بکنفر از طرف مالک بعمل خواهد آمد.

رئیس - آقایان ملاحظه فرموده اند که در ماده نوشته شده است اگر مالک ممیزی را قبول نکند

حق خواهد داشت اعتراض کند سکه تجدید ممیزی نماید و در آنوقت میتواند بکنفر را معین کند حالا رأی میگیریم بقبول توجه بودن اصلاح آقای حاج شیخ حبیبالله آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - رأی بکنفر بخود ماده آقایانی که ماده (۱۲) را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده (۱۳) قرائت میشود.

(بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ - نتیجه ممیزی برای مالک و یا نماینده ستاد، بشرد و مشارالیه در صورت داشتن اعتراض در ظرف سی روز از تاریخ وصول باید اعتراض خود را اظهار نماید و پس از گذشتن این مدت و نرسیدن اعتراض آن ممیزی قطعی خواهد بود درحقی که نتیجه ممیزی برای مالک فرستاده میشود مدلول این ماده و ماده ۱۴ باید بشمارالیه اعلام گردد.

حاج شیخ حبیبالله - اینجا يك فرض کرده اند و نوشته اند نتیجه ممیزی برای مالک فرستاده میشود در صورتی که مالک باشد صحیح است اما در صورتی که مالک در محل نباشد خوب است نتیجه ممیزی و تعدیل بماند تا وقتیکه مالک یا نماینده مالک حاضر شوند آنوقت بایشان اطلاع بدهم که اگر اعتراض داشت آنوقت ممیزی از طرف مالیه حکومت خودش بعمل بیاید ولی در صورتی که خودش نباشد اعتراض هم از میان خواهد رفت این از برای رفاهیت مالک است که اگر این ممیزی را قبول نداشته باشد حق اعتراض داشته باشد حق اعتراض داشتن هم در صورتی که نباشد حقش از بین خواهد رفت.

عدل الدوله - اما در اینجا يك اشتباهی کرده اند و تصور کرده اند که يك ملک که عایدی دارد و مالیات تر آن تعلق میگیرد بکلی افتاده نه مالکی دارد نه صاحب و نه برتری بهمین قدر که مالک نیست نباید بکلی اظهار کند و حال آنکه هر ملک که عایدی دارد و مالش در هر نقطه که باشد يك کسی را معین میکنند که عایدی آنرا ماه بماه بگیرد در این صورت هیچ اشکالی نخواهد داشت که نماینده او اظهار کند یعنی آن کسی که ماه بماه اجاره را میگیرد اگر باو اظهار کردند نشد آنوقت مستأجر مسئول است و می تواند کار او را بکند و برای ممیزی يك مستغلی را همین طور نمی گذارند بماند تا معلوم شود صاحبش کجای عالم است و تا او نیاید این اقدام بعمل بیاید.

حاج شیخ حبیبالله - بنده خیالسم این است که اشتباه نکرده ام بواسطه اینکه تمام املاک ماه بماه اجاره داده نمی شود.

فرضا يك ملک را میبزی کردند و مالک حاضر نبود نماینده هم ندارد بیکسال هم گذشته است در اینصورت حق اعتراض ندارد در صورتی که مالک نیست و نماینده هم ندارد باید ترتیبی معین کرد که اگر اداره دولت رفت و ممیزی کرد حق آن شخص باطل نشود.

رئیس - رأی میگیریم بماده سیزدهم آقایانی که این ماده را قبول می کنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

(و ماده ۱۴ بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ - در صورتی که از طرف مالک به نتیجه ممیزی اعتراض باشد باید اعتراضات و دلایل آن با کمال وضوح اظهار شود پس از رسیدن این اعتراضات بدون تأخیر بکنفر ممیزی از طرف اداره مالیه بکنفر ممیزی از طرف مالک و بکنفر از طرف حکومت محل معین شده تجدید ممیزی خواهند نمود و رأی آنها قطعی خواهد بود بوجه اعتراضیه دو قران تبریم الصاق میشود.

حاج شیخ حبیبالله - بفرمائید رأی ممیزین قطعی خواهد بود که هر چه گفته صحیح است در صورتی که برای مالک مستأجرى میباشد این صحیح است اما در صورتی که با اجازه رفت آنوقت آیا بهمان ترتیبی که با اجازه رفته عمل خواهد شد و یا آنکه بهمان ترتیب ممیزی شده مالیات گرفته خواهد شد.

مخبر - اگر فوراً بعد از ممیزی اجاره برود آنوقت البته مطابق ممیزی عمل میشود ولی اگر يك فاصله داشته باشد آنوقت مطابق ماده پنجم که اجاره خطرا شرط کرده است ممکن است مالک اجاره خط خود را ببرد اگر اداره مالیه موافقت کرد و گفت این اجاره خط ساحتی است از روی همان اجاره خط مالیات برقرار میشود والا بطوریکه ممیزین ممیزی کرده اند رفتار خواهد شد.

حاج شیخ حبیبالله - اگر صلاح میدانند این کلمه در اینجا اضافه شود مادامیکه اجاره نرفته رأی ممیزین قطعی خواهد بود و هر وقتی که اجاره رفت از روی اجاره نامه مالیات گرفته خواهد شد.

مؤید الاسلام - بعد از آنکه متولی را در آن ماده داخل کردیم در این مواد هم که اسم مالک نیست باید داخل کنیم.

رئیس - پیشنهاد بفرمائید.

آقای زاهد - بنده میخواستم عرض کنم که ممیزی از برای دکان بسته نخواهد شد این ممیزی از برای دکان و موقوفاتی که باز است خواهد بود و این هم در صورتی که مستأجر داشته باشد و مالک و مستأجر از ادامه اجاره نامه خودداری کنند از این جهت ممیزین باید بروند و ممیزی کنند و وقتی که ممیز آمد و بتی ممیزی شد مالک یا مستأجر يك کدام ناچار این اجاره نامه را ادامه خواهند داد و دیگر اینطور نخواهد شد که بعد از ممیزی بگویند اجاره نامه غیر از این است.

مخبر الملک - اینجا نوشته است جریمه فقط در حق مالک خواهد بود در صورتیکه در ماده دهم نوشته است مستأجر و مالک هر دو مکلفند صورت بدهند در اینصورت خوب است این جریمه بمستأجر هم (در صورتیکه تغلف بکند) تعلق بگیرد.

مخبر - این جریمه در بین نیست نوشته شده است بوجه اعتراضیه دو قران تبریم الصاق میشود هر کس حق دادن آنوقت اعتراضیه را دارد دو قران تبریم الصاق خواهد کرد.

رئیس - رأی میگیریم بماده ۱۴ آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - اگر مخالفی نباشد چند دقیقه تنفس داده میشود.